

از خون جوانان وطن لاله دمیده



شهید ریوار عبدی ■ شهید آسو توانا ■ شهید بهزاد اسکات ■ شهید محمدرضا بادپروت

خیابان به مثابه قلعه و سنگر مبارزه

مصطفی هجری:



نقشه‌ها و توطئه‌های دشمن نه تنها گام‌ها و روند مبارزاتی ما را سست نکرده، بلکه اراده‌ی پیروزی را نیز در ما تقویت کرده است. بدون شک شهادت جوانان کوردستان به معنای از دست دادن سرمایه‌ای گرانبها بوده و به روشنی هم واضح است که رژیم درصدد است مستقیماً مسیر اعتراضات را منحرف کند. به همین دلیل باید مردم کوردستان هوشیار بوده و به دام نقشه‌های شوم رژیم و بدخواهان ملت‌مان نیفتند.

قدرت ملت

پایتخت دشمن است آماج ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفته و در اوج مظلومیت و غریبی جان می‌دهد. این ابتدایی‌ترین عامل ایجاد موجی از خشم و نفرت در سقر و بعدها کلیه‌ی شهرهای کوردستان گردید. به عبارت دیگر این نوعی از "تحریک وجدان عمومی جامعه‌ی کورد" بود. درست در این مقطع مجموعه گفتمانی سربرمی‌آورد که در ابتدا شروع می‌کند به تکثیر و ۲...

ناصر باباخانی

سرعت رویدادها و تحولات انقلاب ژینا به حدی پرشتاب، همه جانبه و گسترده است که تحلیل سیاسی از تجزیه و تحلیل آن بازمی‌ماند، چرا که این انقلاب به طور دائم در درون خود در حال تحول و ریشه دوانیدن در سراسر ایران و حتی خارج از مرزهای این کشور می‌باشد. بدیهی است انقلاب ژینا با یک قتل حکومتی یعنی کشتن یک دختر کورد اهل سقر آغاز شد. جنبه‌ی تراژدیک واقعه عبارت بود از اینکه یک دختر جوان بی‌گناه، در

تداوم حملات موشکی به مقرات حزب

بامداد دوشنبه، ۳۰ آبان سپاه پاسداران جمهوری اسلامی به وسیله موشک و پهپاد چند مرکز حزب دموکرات کوردستان ایران را در کویه و جژنیکان هدف قرار داد. در پی موج جدید حملات جمهوری اسلامی علیه حزب دموکرات متأسفانه یکی از پیشمرگان کوردستان با هویت «بهزاد ایسکات» شهید شد.

حمله اخیر جمهوری اسلامی علیه مراکز حزب دموکرات در حالی است که پیشتر، روز دوشنبه ۲۳ آبان سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران با نقض تمام اصول بین‌المللی مراکز حزب دموکرات کوردستان ایران را از طریق موشک هدف قرار بود که این حمله شهادت دو تن از پیشمرگان را در پی داشت. همچنین روز ۶ مهر نیز، در حمله‌ای مشابه مراکز حزب دموکرات مورد حمله قرار گرفت که در پی آن ۹ کس از جمله ۳ زن و کودک جان خود را از دست دادند.

شهادت ۱۰۲ تن در کوردستان در اعتراضات سراسری

براساس اطلاعات و تحقیقات انجام گرفته از زمان شروع خیزش سراسری علیه جمهوری اسلامی به دنبال قتل حکومتی ژینا امینی در جریان اعتراضات مردمی در ۶۶ روز گذشته در کوردستان ۱۰۲ تن توسط سرکوبگران جمهوری اسلامی جان خود را از دست داده‌اند. این آمار تا مورخه ۳۰ آبان‌ماه از سوی کردپا گردآوری و تایید شده است. براساس این گزارش؛ ۱۰۲ تن از شهروندان کوردستان طی ۶۶ روز جانباخته‌اند.

۱۱ تن از آنان زیر ۱۸ سال سن دارند. ۵ تن از جانب‌اختگان زن هستند. از این میان نسرين قادری، سارینا ساعدی، حمید گلی و سامان رحمانی با ضربات باتوم سرکوبگران جان باختند. رامین فاتحی، اسماعیل دزوار و امید حسینی بعد از بازداشت در مکانی نامعلوم به قتل رسیدند و محمد لطف‌الهی و نسرين قادری در جریان بازداشت کشته شدند.

مرکز همکاری:

واپسین تلاش مذبوحانه قبل از سرنگونیتان را دیدیم

اکنون نه تنها ما و مردم ایران و کوردستان، بلکه خود نیز از آن مطمئن هستید آن که باید به زانو درآید و فنا بشود شما هستید نه اراده‌ی مردم بی‌پاخسته ایران. کما اینکه خود نیز

بر این واقفید که مقرات مرکزی احزاب کوردستان در قلب مردم کوردستان است و هر خانه و کوی و برزن و هر شهر و روستای کوردستان مراکز و مقرات ماست. مردم کوردستان نیز نه از موشک و پهپاد هراس دارند نه انقلابشان با این حملات بزدلانه منحرف می‌شود.

۳ ...



مرکز اجرائی حزب:

نباید اجازه داد خواب‌ها و توطئه‌های رژیم تحقق یابد

مبارزه‌ی آزادیخواهانه‌ی کورد در ایران علیه رژیم پادشاهی و جمهوری اسلامی ایران جهت تحقق حقوق ملی، برابری و عدالت، مبارزه‌ای صلح‌جویانه و حامل خصلت‌ها و ارزش‌های انقلابی و انسانی بوده و همین امر نیز احترام و محبوبیت کم‌نظیری را در سطح جهان به سوی این مبارزه جلب کرده است. به همین دلیل ضمن تأکید بر حقوق و خواست‌هایمان و تداوم تلاش و مبارزه‌ی

خویش از سویی اجازه ندهیم توطئه‌های شوم و ننگین رژیم خدش‌های بر خصلت‌های ارزش محور تاریخ مبارزه‌ی آزادیخواهانه‌ی ما وارد آورد و از سوی دیگر هزینه‌ی جانی این مبارزه و قیام را برای خلق خویش کاهش دهیم.

۵...



مصطفی هجری:

مردم کوردستان ضمن تداوم خیزش مانع عملی شدن توطئه‌های رژیم شوند



و مردم کوردستان ابراز می‌داریم و طلب بهبود سلامتی همه مجروحان را داریم.
آزوری دیرین حزب دموکرات کوردستان ایران و همه مبارزان کوردستان ایران رسیدن به حاکمیت ملی، آزادی و تامین حقوق ملی است، به همین منظور مبارزه برحقمان تا تامین حقوقمان ادامه دارد.

کوردستان ایران از پیروزی مبارزه خود اطمینان کامل دارد.

مسئول مرکز اجرایی حزب دموکرات کوردستان ایران مصطفی هجری ۲۹ آبان ۱۴۰۱

مصطفی هجری:

اراده‌ی پیروزی‌مان بیش از هر زمان دیگری است



مصطفی هجری، مسئول مرکز اجرائی حزب دموکرات کوردستان ایران اعلام کرد، جنایات جمهوری اسلامی اراده پیروزی ما را تقویت کرده است.
مسئول مرکز اجرائی حزب دموکرات کوردستان ایران در توئیتی و در واکنش به حملات موشکی سپاه پاسداران به مراکز و مقرات حزب دموکرات نوشت:
"مدت مدیدی است که حکومت‌های مستقر در تهران، به انحاء مختلف ددمنشانه و غیرانسانی علیه ما اقدام به جنایت می‌کنند، ما را قتل عام می‌کنند، رهبرانمان را ترور کرده و فرزندان مبارزمان را به شهادت می‌رسانند، میهنمان را ویران می‌کنند تنها به جرم کورد بودنمان. اما ما ابایی نداریم و در برابر دشمنانمان ایستادگی کرده‌ایم. آقای هجری در ادامه توئیت خود نوشت:
نقشه‌ها و توطئه‌های دشمن نه‌تنهاگام‌هاوروند مبارزاتی‌ما را سست نکرده، بلکه اراده‌ی پیروزی را نیز در ما تقویت کرده است.
مسئول مرکز اجرائی حزب دموکرات کوردستان ایران در پایان پیام خود به این موضوع پرداخت که اکنون صدای ملیت‌های تحت ستم و آزادیخواهان ایران به گوش جهانیان رسیده و پیام مرگ و نابودی را به گوش جمهوری اسلامی ایران رسانیده است.
بنابراین پیروزی از آن ماست.

• شماره ۸۳۵ | ۳۰ آبان ۱۴۰۱ _ ۲۱ نوامبر ۲۰۲۲

مرکز اجرایی حزب:

نباید اجازه داد خواب‌ها و توطئه‌های رژیم تحقق یابد

مقاومت و پافشاری بر حقوق مشروع خویش افتخار می‌کند. اما در شرایط حاضر ضروری است هم بیشتر از توطئه‌های جمهوری اسلامی آگاهی داشته و هم آن‌ها را خنثی نمایید. به همین دلیل از همه، بویژه جوانان پرشور و از جان گذشته‌ی کوردستان می‌خواهیم ضمن تداوم خیزش‌مان اجازه ندهید توطئه‌ها و اهداف رژیم تحقق پیدا کند.

مبارزه‌ی آزادیخواهانه‌ی کورد در ایران علیه رژیم پادشاهی و جمهوری اسلامی ایران جهت تحقق حقوق ملی، برابری و عدالت، مبارزه‌ای صلح‌جویانه و حامل خصلت‌ها و ارزش‌های انقلابی و انسانی بوده و همین امر نیز احترام و محبوبیت کم‌نظیری را در سطح جهان به سوی این مبارزه جلب کرده است. به همین دلیل ضمن تأکید بر حقوق و خواست‌هایمان و تداوم تلاش و مبارزه‌ی خویش از سویی اجازه ندهیم توطئه‌های شوم و ننگین رژیم خدش‌های بر خصلت‌های ارزش محور تاریخ مبارزه‌ی آزادیخواهانه‌ی ما وارد آورد و از سوی دیگر هزینه‌ی جانی این مبارزه و قیام را برای خلق خویش کاهش دهیم. هم‌چنین مجدداً بر این نکته تأکید می‌ورزیم که پدیده‌ی حمله به منازل و به آتش کشیدن آن‌ها خلاف ارزش‌های انقلابی و آزادیخواهانه‌ی مبارزه‌ی ملت‌مان بوده و به موفقیت توطئه‌های رژیم یاری می‌رساند.

حزب دمکرات کوردستان ایران ضمن نثار درود به روحیه‌ی مبارزاتی و حق‌طلبای توده‌های مردم کوردستان به روان پاک شهدای این مقطع در کلیه‌ی شهرها و مناطق کوردستان درود می‌فرستیم. در رابطه با از دست دادن این جمع از مبارزان نستوه، به خانواده و بازماندگان شهدا، مبارزان دمکرات و همه‌ی مردم کوردستان تسلیت می‌گوید.

حزب دمکرات کوردستان ایران مرکز اجرایی ۲۹ آبان ۱۴۰۱

مردم مبارز و حق‌طلب کوردستان!

خیزش حق‌طلبانه‌ی شما که با قتل عمد ژینا امینی آغاز گردید، وارد سومین ماه خود شد. این قیام که از کوردستان سربرآورد و بسیار زود اکثر دیگر مناطق و شهرهای ایران را فراگرفت، توانسته‌است با تداوم خود و ارزش‌های ویژه‌ی این انقلاب که انسان محور، ارزش محور و آزادی محور می‌باشد، توجه و احترام درخوری را در سطح جهان به سوی خود جلب نماید. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران هم چون همیشه تلاش کرده از سویی این خیزش مردمی و حق‌طلبانه را توطئه و ساخته و پرداخته‌ی دست خارجی توصیف نموده و از سوی دیگر آن را به خشونت عریان و خونین بکشاند. به همین دلیل در کوردستان قلب و سر جوانان و نوجوانان را نشانه گرفته و در خارج از کشور نیز با تجاوز به آن سوی مرزهای خود و نقض قوانین و موازین بین‌المللی، در اقلیم کوردستان چند بار قرارگاه‌ها و مراکز حزب دمکرات کوردستان ایران و دیگر نیروهای سیاسی را با موشک و پهباد هدف قرار داده و کماکان به تهدیدات و حملات خود نیز ادامه می‌دهد.

جمهوری اسلامی ایران در دو ماه گذشته در کوردستان با به شهادت رساندن دهها تن و مجروح کردن هزاران نفر و بازداشت هزاران نفر دیگر از سویی خواسته است هم هزینه‌ی این خیزش توده‌ای را برای مردم افزایش دهد و هم مسیر این مبارزه‌ی حق‌طلبانه را به منظور سرکوب خونین بیشتر به سوی خشونت عریان‌تر سوق دهد. جنایاتی هم که در مهاباد، سنج، بوکان، کامیاران، اشنویه، پیرانشهر، دیواندره و دیگر شهرها و مناطق کوردستان و در جریان اعتراضات مدنی مردم مرتکب شده نیز در همین روستا بوده‌است.

مردم با اراده و مبارز کوردا! مردم ایران و جهان بویژه وجدان بشریت به مبارزه،

کوردی "مؤنث مجازی" است که همچون عروس

بدان اشاره شده‌است: عروس آزادی. یعنی هم دستاویز آغاز انقلاب حاضر، هم شعار اصلی آن و هم بازیگر اصلی آن یعنی زن با موج گیسوانش، ویژگی بی‌نظیری به آن بخشیده و آن را به نخستین انقلاب زنانه در جهان تبدیل کرده است. لذا این انقلاب بدون هیچ تعارفی، یک انقلاب زنانه‌ی کوردی است! به منظور جلب مردان کورد و حمایت آنها از این انقلاب، مجدداً نگاهی دوباره به شعارهای مردم و نیز نقش قهرمانانه‌ی پسران و مردان کوردستان ایران ضروری به نظر می‌رسد. دیگر شعارهای سر داده شده در خیابان‌ها عمدتاً ریشه در مبارزه‌ی سال‌های گذشته‌ی خلق کورد داشته و در مقایسه با دیگر مناطق ایران – علیرغم خواست مشترک – محتوای متفاوت‌تری دارند نظیر خواست‌ها و مطالبات ملی. البته طبق اوضاع و شرایط نوین انقلاب

شعارهای جدید نیز مطرح می‌شوند که برخی اوقات جنبه‌ی جنسی دارند، اما در حقیقت هدف اصلی پیام‌شان نشانه گرفتن حاکمیت است. بدون تردید هر جنبش بزرگ و یا کوچک حاوی گفتمان ویژه شعار استراتژیک خویش است و می‌توان کلید واژه‌ها را از آنها استخراج کرد، انقلاب ژینا پتانسیل و توان‌مندهای مورد بحث را کاملاً داراست.

در این انقلاب مردم در داخل کوردستان ایران و نیروهای سیاسی کوردستان، هشیارانه با توطئه یا و دسیسه‌های جمهوری اسلامی برخورد کرده‌اند. جمهوری اسلامی به شیوه‌ی آشکاری قصد تحمیل جنگ بر آن‌ها را دارد، اما آن‌ها به دام جنگ بی‌نتیجه‌ای که جمهوری اسلامی قصد داشت آنان را درگیر آن نماید، نیافتادند. در واقع برعکس. در این سناریوی نخ نما کورد به برنده‌ی اصلی آن تبدیل شد و همبستگی دیگر خلق‌ها را نیز به

سوی خود جلب نمود. کوردستان در مدت دو ماه با تحمل هزینه‌ی سنگین و مقاومتی افسانه‌ای به خلق و مغز انقلابی تبدیل گشته که خود خالق آن

♦ ادامه‌ی :

قدرت ملت

سپس گسترش. این تکثیر در شعارها و نمادهای گوناگون مانیفست مادران و پدران شهدا در آرامستان‌ها و رقص‌های فردی و جمعه مخصوص عزا برسر مزار جان باختگان تجلی یافته و سپس شعار اصلی آن و حماسه و جان بازی افسانه‌گونه دختران و پسران کوردستان ایران بر سراسر ایران گسترش می‌یابد. نگاهی اجمالی به نکات و گفته‌های موجود، بدون هیچ گونه تردیدی المان‌های ناسیونالیزم کوردی را به نمایش می‌گذارد و نکته‌ی جالب توجه آن هنگامی آشکار می‌گردد که علیرغم سی دهه خلاء حضور فیزیکی نیروهای سیاسی در خاک کوردستان ایران، یک نسل به گستره‌ی خیابان‌های کوردستان از رهبر شهیدی چون دکتر قاسملو یاد می‌کنند، که سن اکثر آنها بسیار کم‌تر از سال‌های پس از شهادت دکتر قاسملو است. این امر مؤید این واقعیت است که مردم کوردستان به حکم تاریخ مبارزاتی‌شان، هم از لحاظ فکری و هم از لحاظ تشکیلاتی بسیار جلوتر از هم‌نسل‌های خود در دیگر بخش‌های ایران هستند. شعار مردم که خود را فرزند پیشوا قاضی و رهرو قاسملو می‌دانند همان بعد فکری و پاسخ مثبت خلق کورد به فراخوان مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران جهت اعتراض و اعتصاب همان پیوند تشکیلاتی مردم و احزاب است. باز کردن یک پرانتز در اینجا بسیار ضروری است: اینکه از پیشوا و دکتر قاسملو نام بردم، به میزان تکرار نام این رهبران کاریزماتیک در خیابانها است، البته نه به عنوان دبیرکل حزب، بلکه به عنوان رهبران ملی. شعار اصلی انقلاب ژینا یعنی زن، زندگی، آزادی در واقع گفتمان انقلاب است که در نهایت در سراسر ایران و هم‌چنین تمام جهان طنین انداز شد. هرسه واژه مؤنث بوده و این موضوع در ادب و فولکلور کوردی نیز وجود دارد. حتی واژه‌ی آزادی در ادبیات

^[1] کوردی "مؤنث مجازی" است که همچون عروس بدان اشاره شده‌است: عروس آزادی

^[2] کوردی "مؤنث مجازی" است که همچون عروس بدان اشاره شده‌است: عروس آزادی

آیا ملل تحت ستم ایران در چهارچوب گفتمان مرکزگرایان امنیت اجتماعی دارند؟



ارمان حسینی

طبیعتا تعاریف و همچنین برداشتهای متفاوتی از مفهوم "امنیت" وجود دارد. "ولفرز" معتقد است که امنیت در معنای عینی آن یعنی فقدان تهدید نسبت به ارزشهای کسب شده و در معنای ذهنی یعنی فقدان هراس ازاینکه ارزشهای مزبور مورد حمله قرار گیرند. از سوی دیگر بسیاری از صاحب نظران امنیت اجتماعی را در توانایی جامعه برای حفظ هویت، منافع و ویژگیهای اساسی خود در برابر شرایط متحول و تهدیدها و همچنین توانایی ارتقای وضعیت اجتماعی به سمت ارزشها و آرمانهای جامعه تعریف می‌کنند. همچنان که پیداست، امنیت اجتماعی مسئله‌ای با اهمیت و حیاتی برای جوامع بشری است و اگر امنیت از هر جامعه‌ای سلب شود، بقا و موجودیت آن نیز در معرض خطر و نابودی قرار می‌گیرد. حتما این جمله را هم شنیدیم که می‌گوید: "از جزء، کل تشکیل می‌شود". به این معنا که این اعضا هستند که یک پیکر را حالا چه یک انسان باشد، چه جامعه و چه ملتی و ... را شکل و موجودیت می‌بخشند. ملل تحت ستم "کورد، بلوچ، عرب و ..." در ایران پس از تحمیل گفتمان دولت _ ملت بر جامعه ایران، با پروژه‌های مواجهه شده‌اند که تاکنون ادامه دارد و متأسفانه هنوز نیز در نظر بسیاری از اپوزیسیون رژیم و آزادی‌خواهان نیز همچون رگی سرطانی ریشه دوانده و درصددند تا با استحاله و آسمیله‌کردن ملل غیر فارس در گفتمان خود، هویت و موجودیت این ملل و دیگر تنوعات جنسیتی و آیینی را در یک هویت جعلی که از آن به عنوان "هویت ایرانی" یاد می‌شود، حل و نابود کنند. در این گفتمان، ملل غیر فارس و دیگر تنوعات نه که عاملی برای ثبات و غنای فرهنگی و ترقی نبوده، بلکه این تنوعات و موجودیتشان تهدیدی بالقوه و بالفعل برای ایران نو بوده. ایرانی که دارای یک زبان آن هم زبان فارسی و فرهنگی که در حقیقت همان فرهنگ فارس‌ها بوده و هست. طبیعتا با این گفتمان امنیت فردی و نهایتا اجتماعی ملل غیر فارس و دیگران با خطر جدی مواجه و کوردها، بلوچ‌ها، ترک‌ها و ... از لحاظ ذهنی و عینی با این تهدید جدی که حیاتشان را هدف قرار داده مواجه‌اند. درچنین فضایی مطمئنا ملل تحت ستم و دیگر تنوعات توانایی حفظ و توسعه هویت، منافع و ویژگیهای اساسی خود را در برابر شرایط متحول و تهدیدها و همچنین توانایی ارتقای وضعیت اجتماعی به سمت ارزشها و آرمانهای جامعه‌ای مترقی را نداشته و مدام با وجود مقاومتی جانانه در معرض خطر هویت جعلی حاکم قرار دارند. برای درک بهتر مسئله امنیت اجتماعی، کافی است نگاهی به سریال و آثار ادبی و هنری بیندازیم که ساخت صدا و سیما و نهادهای رژیم‌اند، هر زمان که در مورد ملل تحت ستم ساخته‌ای داشتند، حتما از این ملل به عنوان روستایی، ساده‌لوح، عقب افتاده، آدم کش و ... یاد شده. طبیعتا این چنین دیدگاهی امنیت اجتماعی این ملل را مورد هدف قرار داده و در مقابل گفتمان و فرهنگ غالب تحمیل و کوردها، بلوچ‌ها، عرب‌ها و ... احساس کمبود و حقارت کنند و اگر بخواهند به اصطلاح با کلاس و امروزی و متمدن باشند، باید خود را شبیه دیگری کنند، چرا که در لباس و هویت خود مورد تمسخر قرار می‌گیرند. نهایتا در این دوراهی باید انتخاب کرد که خوشبختانه ما انتخاب کردیم و گزینه مقاومت و دفاع از هویت و موجودیت خود را برگزیدیم و تسلیم اراده‌ی تحمیل شده نشدیم. این مبارزه گرچه نابرابر و سنگین است اما نهایتا پیروزی از آن ما خواهد بود و در فردای آزادی با حفظ اتحاد خود، با حضور نمایندگانمان واقعی خود در پایتخت مانع اعمال فشار و تهدید امنیت جمعیمان از سوی دشمن خواهیم شد.

استفاده‌ی رژیم از سلاح شیمیایی علیه مردم جوانرود و پیرانشهر



نیروهای تروریستی رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب مردم مبارز و قهرمان در خیابان‌های کوردستان از گازهای سمی استفاده کرده است.

بنا بر گزارش منابع حقوق بشری تروریست‌های رژیم جمهوری اسلامی در جوانرود از گاز سمی هگزاکلرواتان استفاده کرده‌اند؛ این گاز عامل اعصاب است که موقتا فعالیت سیستم عصبی مرکزی را مختل می‌کند. بعد از شلیک، یک واکنش دو مرحله‌ای در کپسول ایجاد می‌شود که در آن کلر با فلز روی ترکیب شده و کلرید روی می‌دهد که گازی به رنگ سبز کمرنگ است. بارزترین اثرات اولیه، مسمومیت با یون‌های کلر و روی، استفراغ، سوزش

پوست و سرفه است، اما در بلندمدت ممکن است باعث سرطان کبد، آلرژی‌های پوستی و آسیب به کلیه‌ها شود. گزارش‌ها حاکی از آن است که در پیرانشهر نیز نیروهای جانی جمهوری اسلامی از سلاح شیمیایی گاز CS استفاده کرده است؛ گاز CS گازی است که جزو سلاح های "ممنوعه" طبقه بندی می‌شود. کنوانسیون منع گسترش سلاح های شیمیایی ۱۹۹۳ این گاز را ممنوع و تحریم کرده است.

این یک انقلاب تمام عیار است



کرده است. به گونه‌ای که در صورت خواست و اهتمام به حل بحرانها و ایجاد فضا برای عبور از این وضعیت (که البته با روح موجودیت سیستم حاکم همخوانی ندارد)، در بهترین حالت و در بین واقعبینانه‌ترین گزینه‌های موجود، تنها راه حل برگزاری همه‌پرسی زیر نظر سازمانهای بین المللی و پایبند بودن به نتیجه آن است؛ فرضی محال، چرا که همگان نتایج و خواست تنوعات اتنیکی، زبانی، فرهنگی و اجتماعی در ایران را می‌دانند. مردمی که با قتل حکومتی یک دختر کورد به اسم ژینا امینی به خیابانها ریختند و خواستار پاسخگویی بیش از چهار دهه ظلم و ستم رژیم شدند و بخاطر اعتراض و درخواست به پاسخگو بودن رژیم با سرکوب، ربایش، شکنجه و مرگ روبرو شدند. اعتراضاتی که در کوردستان شروع شد و اینبار برخلاف دفعات قبل به سراسر ایران سرایت کرده است؛ تداوم اعتراضات، اعتصابات و همچنین خواست مردم مبنی بر برکناری رژیم موجود و استقرار حکومتی بر پایه‌های اصول و اساسهای حقوقی، استانداردهای حقوق بشری و خواسته‌های مردمی است و در چشم انداز آن واقعیتهای متنوع و متفاوت نژادی، دینی و مذهبی، اجتماعی و غیره، پذیرش و گنجاندن شود و دربرگیرنده آزادیهای اساسی باشد. حضور نسلهای متفاوت بعد از انقلاب ۵۷ در خیابانها که حدود دو ماه است تداوم دارد، درخواستهای اساسی مردم و پافشاری بر خواسته‌ها و حقوق بر حقه‌پیشان و از طرف دیگر سرعت گرفتن ماشین سرکوب و کشتار رژیم تروریست جمهوری اسلامی به گونه‌ای که کشورهای جهان و نهادهای حقوق بشری را روی خط آورده است، تنها و تنها حامل یک پیام مهم و اساسی است؛ اینکه صدای حق‌خواهی و حق‌طلبی مردم که خواستار تغییرات ریشه‌ای در همه ارکان حکومتی و قواعد قانونی و چارچوبهای اجتماعی هستند، بدون شک صدای یک انقلاب است. صدای یک انقلاب اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است و بر پایه‌های روشنگری و حضور مردمی آگاه، هوشیار و با اراده استوار است؛ مردمی که یکصدا فریاد می‌زنند این دیگه اعتراض نیست، شروع انقلابه، انقلابی که خیلی وقت است شروع شده است.

توتالیتز ولایی روبرو شدند؛ در همین عنوان اصلاح طلبانی که علم مردمی بودن را علم کرده بودند، به‌مثابه‌ی چتر امنی برای نهادهای امنیتی عمل کردند که به‌شیوه‌ی خشونت آمیز مشغول سرکوب، ارباب و کشتار ناراضیان، مخالفان و فعالان مدنی و سیاسی بودند. برای درک این موضوع بایستی به مولفه‌های سیستم ولایت مطلقه‌ی فقیه رجوع نمود؛ اساس کاروبار اعتقادی و نحوه‌ی حکمرانی آن را خوانش نمود. این مهم به حدی جای تامل و واکاوی دارد که در نوع خود شبیه به هیچ یک از حکومتهای حال حاضر نمی باشد، از این رو بایستی به شیوه‌ای جداگانه و در پلان و جدولی غیر از مبانی موجود در فهرستهای بین المللی و استاندارد و اصولی بدان پرداخت. به طور خلاصه می‌توان گفت که جمهوری اسلامی، حکومتی است که تعاریف ملت، امت، حدود و اختیارات و وظایف فرمانبران و فرمانبرداران را به شیوه‌های گنگ، نامفهوم تعبیر و تاویل کرده است و همه مسائل حول محور ولایت فقیه و بر طبق امیال و خواسته‌های وی تهیه و تنظیم می‌گردد. در جهانی که مفاهیمی حقوق بشری، بنیان‌های اجتماعی و مدنی با تعاریف نو، مدرن و استاندارد و حقوقی شرح و بسط داده می شوند؛ هر روز مفاد بیشتری به حقوق و آزادیهای بنیادین و اساسی اضافه می‌شود و التزامات و پایبندی بدانها با جدیتهای بیشتری دنبال می شود و کشورهای جهان بیش از پیش قواعد و اصول بین‌المللی را به دیپارتمان حقوقی و سیاسی خود می افزایند که رژیم موجود با توجه به ترمینولوژی ویژه خودش، سعی در اعمال هرچه بیشتر تعاریف و خواسته‌های خود و تحمیل آن به ملیتهای ایران را دارد. در حالی که رژیم با نسلهای متفاوت، خواسته‌های متفاوت و نوآوریهای جداگانه‌ای در عرصه داخلی و منطقه‌ای روبروست، در داخل ساختمان و چارچوب نظام مندش و مانیفست خشک و لایتغیرش دچار تزلزل، انشقاق و اختناق شده است و با بحرانهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی در سراسر کشور دست و پنجه نرم می‌کند و فسادهای گسترده در سطوح اداری و اجرایی از همه لحاظ آنها را با بن بست و گره‌های غیر قابل بازگشایی روبرو



زافار حسینی

به حافظه تاریخی برگردیم به دقایق حساس و تاریخی انقلاب سال ۱۳۵۷ شمسی که همه ملیتهای ایران، احزاب و جریانات

سیاسی در آن حضوری پر شور داشتند و به شوق پیروزی و احقاق حقوق بر حقه‌ی خود، سر از پای نمی‌شناختند. دیری نپایید که خمینی با خمینیزم موجود در قالب ولایت فقیه، خواب ملیتهای ایران را به باد فنا داد و با سرکوب، خفقان و ایجاد فضای امنیتی و نظامی یکه تاز عرصه حکومتداری شد و مخالفان را مجبور به خروج از ایران، زندانی، شکنجه و اعدام کرد. کوردها به عنوان اولین ملیت از این نظام توتالیتز اعلام برائت کردند؛ جنگ، جنایت و ویرانی در کوردستان، سرکوب اعتراضات متفاوت مردمی در ایران، سرکوب دانشجویان و اقشار متفاوت جامعه در کشور به شیوه‌ای که ستم و عصیان نه تنها اقلیتهای نژادی، جنسیتی، دینی و دگر اندیشان را درنوردید، بلکه به مراکز ایران و بخشهایی رسید که حکومت خود را در آن مدرن و پیشرفته و مردمی می‌خواند. این مهم سبب آن شد که جدای از جریانات برانداز، طیف اصلاح طلب غیرحکومتی وارد کارزارهای سیاسی و اداری شوند و به امید آنکه با تغییرات ریشه‌ای در فازهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مسبب تحولات شگرف و اساسی گردند.

مماشات کشورهای غربی، آمریکا و چین و روسیه، سکوت نهادهای اجتماعی و مدنی بین المللی، عدم جدیت سازمان ملل در واکنش به رفتارهای خطرناک و غیرحرفه‌ای، جنایتهای پیچیده و پی در پی به شیوه سازماندهی شده و سیستماتیک در سطح بین المللی، باعث گستاخر شدن و شکستن بیش از پیش حصارها و چارچوبهای قانونی و عرفی در همه سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین المللی شده، به گونه‌ای که رژیم جمهوری اسلامی اگر تا مدت‌ها قبل از اتهامات وارده به دنبال راه در رو بوده است، امروزه عملکردهایش را جزو حقوق و حفاظهای محافظتی خود می‌داند؛ به عنوان نمونه دخالت در امور سوریه، عراق، لبنان، یمن و همچنین حمایت از گروههای تندرو را به شیوه‌ای علنی در دستور کار خود قرار داده است و این چنین رفتارها و تعاملات را برای صدور انقلاب اسلامی و حفظ نظام از اوجب واجبات می‌داند.

این رژیم تبهکار با پروپاگاندای سیستماتیک ، غیر قابل انعطاف بودن سیستم حکومتداری، عدم قبول واقعیتهای موجود در جغرافیای ایران، طرز نگرش و شیوهی برخورد با درخواستهای مردمی از همه‌ی جوانب سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و هتد، شکست پروژه اصلاح طلبی و پلان های سوپاپ اطمینانهای ولایت فقیه، کار را به جایی رسانده است که نزدیکان و همدستان این فرقه تبهکار را نیز در ماندگاری این سیستم دچار شک و تردید کرده است.

در دوره‌ای که بقایای جریانات منعطف درصدد ایجاد نظام ولایتی مشروطه‌ای بودند و در واقع هدف از اصلاحات را ایجاد ضمانتهای قابل اعتماد در جهت حفظ نظام می‌دانستند با شکستهای پی در پی در قواره نظامند رژیم

به نام زن، زندگی، آزادی! در حالی که مردم آزادیخواه کوردستان و ایران خود را آماده کرده تا با تاب و توان بیشتر و با اراده ای پولادین پای در سومین ماه انقلابشان بگذارند، سپاه تروریستی پاسداران باری دیگر با موشک و پهپاد انتحاری مراکز احزاب کوردستان را عمق خاک عراق و اقلیم کوردستان مورد حمله قرار داد که متأسفانه شهید شدن دو تن و زخمی و مصدوم شدن شمار دیگری را در پی داشت. ما و همه مردم ایران و کوردستان اکنون نظاره‌گر واپسین تقلابهای قبل از مرگتان هستیم. اکنون نه تنها ما و مردم ایران و کوردستان، بلکه خود نیز از آن مطمئن هستید آن که باید به زانو درآید و فنا بشود شما هستید نه اراده‌ی مردم بیپاخسته ایران. کما اینکه خود نیز بر

واپسین تلاش مذبوحانه قبل از سرنگونیتان را دیدیم

این واقفید که مقرات مرکزی احزاب کوردستان در قلب مردم کوردستان است و هر خانه و کوی و برزن و هر شهر و روستای کوردستان مراکز و مقرات ماست. مردم کوردستان نیز نه از موشک و پهپاد هراس دارند نه انقلابشان با این حملات بزدلانه منحرف میشود. در وضعیت کنونی درخواست ما از همه اقشار مردم مبارز ایران و کوردستان این است: یک، روز ۲۶ آبانماه بعنوان شروع سومین ماه انقلاب، از اول صبح تا ظهر به اعتصاب عمومی دست زده و از ساعت ۴ عصر به بعد با تظاهرات وسیع از سومین ماه انقلاب زن، زندگی، آزادی پیشوازی بعمل آورند. دو، در مدت دو ماه گذشته بازارهای کوردستان ۱۲ روز تمام در اعتصاب بوده و کسبه و بازاریان

جایگاه جوانان در جنبش نوین مردم ایران



د. کامران امین‌آوه

جوانان ایران
نیروی اصلی
جنبش "زن، زندگی،
آزادی" هستند
و جنبش کنونی
نماد خواست‌های
شهروندی "آزادی،

سکولاریسم، عدالت‌خواهی و برابری
جنسیتی" است.

البته کنشگری جوانان در جنبش‌های
انقلابی پدیده ایست عام و جهانی.
اساسا نیروی جوان، نیروی محرکه‌ی اصلی
جنبش‌های دگرخواهی بشمار می‌روند. در
ایران امروز نیز جوانان با توجه به جنبش
اجتماعی پیشرو کنونی، در راستای دگرگونی
بنیادین جامعه و سرنگونی جمهوری
اسلامی گام به میدان مبارزه گذاشته‌اند.

برای یافتن پاسخ به چرایی حضور
پررنگ جوانان و بویژه دختران و زنان
ایرانی در این جنبش می‌توان و باید
زمینه‌های عینی و ذهنی این حضور را در
رابطه با عامل ترکیب سنی جمعیت ایران
و مشکلات فراوان جوانان در عرصه‌های
مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و
اجتماعی مورد بررسی قرار داد.

۱. جوانان و ترکیب سنی جمعیت ایران

بر اساس آخرین سرشماری عمومی
نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، ترکیب سنی
جمعیت ایران شامل " کودکان و نوجوانان
(زیر ۱۵ سال) با ۲۴/۰ درصد معادل ۱۹/۲
میلیون نفر، جوانان (۱۵ تا ۲۹ ساله) با ۲۵/۱
درصد معادل ۲۰/۱ میلیون نفر، میانسالان
(۳۰ تا ۶۴ ساله) با ۴۴/۸ درصد معادل
۳۵/۸ میلیون نفر و سالمندان (۶۵ ساله
و بیشتر) با ۶/۱ درصد معادل ۴/۹ میلیون
نفر" است. "طبق این آمار، ۴۹ درصد معادل
۳۹.۳ میلیون جمعیت ایران را افراد زیر
۳۰ تشکیل می‌دهد.

بنابراین، گذشته از میزان بالای جمعیت
جوان در ترکیب جمعیتی کشور، با توجه
به فشارهای دولت مذهبی ایران، که حتا
امنیت حریم خصوصی آنها را مورد تهدید
قرار داده است و با توجه به ژرفش هرچه
بیشتر شکاف‌های طبقاتی و اجتماعی
و تاثیر منفی آن بر سطح زندگی آنها در
زمینه‌های گوناگون مانند تحصیل، مسکن،
امکانات درمانی، مشکل اشتغال و افزایش
سطح عمومی قیمت‌ها و غیره، جای
تعجب نیست که جوانان و نوجوانان ایرانی
شرکت کنندگان اصلی انقلاب نوین ایران
هستند.

۲. مشکلات اقتصادی و اجتماعی جوانان

جوانان ایرانی هم زمان با دخالت‌های
مداوم و روزمره ماموران ریز و درشت
حکومت اسلامی در زندگی خصوصی و
نقض آزادی‌های فردی و شهروندی شان،
بعلت فشارهای اقتصادی و اجتماعی
ناشی از سیاست‌های خانمان برانداز
جمهوری اسلامی ایران، ناتوان از پایه‌ریزی
و ساماندهی زندگی و آینده‌سازی برای
خود هستند. اگر بخواهیم فقط بر اساس
داده‌های رسمی در ایران به نمونه‌هایی
از این مشکلات اشاره کنیم متوجه فاجعه
بزرگی خواهیم شد که زندگی تمام مردم
ایران را بطور عام و زندگی جوانان را بطور
خاص تحت الشعاع خود قرار داده است.
برای نمونه:

"بر اساس گزارش منتشر شده از وضعیت
اشتغال؛ نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله
در ایران در تیرماه سال ۱۴۰۱، به ۲۴ درصد
رسیده است، به عبارت دیگر در بهار ۱۴۰۱
بالغ بر یک چهارم جوانانی که در بازه‌ی
سنی ۱۵ تا ۲۴ سال جویای شغل بوده‌اند،
نتوانسته‌اند شغلی پیدا کنند. همچنین
بررسیها نشان می‌دهد در گروه‌های سنی
جوان، نرخ بیکاری زنان تقریباً دو برابر نرخ
بیکاری مردان است که نشان می‌دهد زنان
در سنین پایین‌تر با مشکلات بیشتری در

پیدا کردن شغل مواجه هستند. به طور
کلی نرخ بیکاری در جوانان بالاتر از نرخ
بیکاری کل است، نرخ بیکاری در سن ۱۸ تا
۳۵ سال در مناطق شهری کشور برای بهار
امسال نزدیک به ۱۸ درصد به ثبت رسیده
است که نسبت به فصل مشابه سال قبل
حدود یک درصد افزایش را تجربه کرده
است. نرخ بیکاری در مناطق روستایی در
بازه‌ی سنی مذکور نیز ۱۲.۴ درصد افزایش
داشته است که این نرخ نسبت به بهار
سال ۱۴۰۰ کمتر از یک درصد افزایش
یافته است. به طور کلی می‌توان گفت که
شدت افزایش بیکاری جوانان در مناطق
شهری کشور بیش از افزایش شدت بیکاری
در روستا ها بوده است." طبیعتاً با توجه
به نرخ بالای بیکاری و نبودن زمینه‌های
اقتصادی ازدواج، درصد مجردهای کشور
افزایش یافته و نرخ باروری کاهش و
جمعیت کشور رو به پیری می‌رود. بنابراین
در صورت عدم حل این معضل اجتماعی،
طبق گفته‌های مسعود عالمی نیسی،
رئیس موسسه تحقیقات جمعیت کشور
"میانگین سنی جمعیت کشور در ۳۰ سال
آینده به حدود ۴۸ سال می‌رسد و می‌توان
گفت در سال ۱۴۳۰ حدود ۳۳ درصد از
جمعیت کشور سالمند می‌شود و این به
آن معنا است که از هر ۱۰ نفر ۴ نفر سالمند
خواهند بود."

براساس آمارهای رسمی "تعداد
اجاره‌نشینان در ایران از ۱۲ درصد در سال
۱۳۶۵ به ۳۸ درصد تا سال ۹۹ رسیده است.
این به آن معنی است که ۳۲ میلیون ایرانی
درگیر مسئله اجاره‌بهای سنگین مسکن
هستند. این عدد از این منظر حائزاهمیت
است که طبق آمارها، در مناطق شهری
کشور ۴۳ درصد از هزینه‌های مستاجران
مربوط به مسکن است؛ رقمی که معادل
۲.۲ برابر میانگین هزینه‌های خانوارها در
جهان است. براساس گزارش منتشرشده از
سوی معاونت مسکن و ساختمان وزارت
راه و شهرسازی فقط در دو ماهه اول سال
به ۱۴۰۱ متوسط اجاره بهای یک مترمربع
واحد مسکونی در تهران در اردیبهشت
امسال به ۱۲۶ هزار و ۹۰۰ تومان رسیده
است که در مقایسه با رقم ۸۴ هزار و ۸۰۰
تومان پایان سال ۱۴۰۰ رشد نزدیک به ۵۰
درصدی داشته است و طی ۱۰ سال درآمد
ها ۱۲ برابر اجاره ها ۱۴ برابر شده است."

با توجه به شرایط اقتصادی حاکم بر
جامعه، افزایش اجاره مسکن و موادغذایی،
سطح پایین درآمد و مشکل بیکاری، نه
تنها صاحب‌خانه شدن جوان ایرانی بلکه
پرداخت اجاره مسکن نیز تبدیل به آرزویی
دست نیافتنی شده است. با توجه به
حقوق پایه ۲ میلیون تومانی جوان ایرانی
و "با حساسی سر انگشتی حدودا ۵۰ سال
طول می‌کشد تا یک جوان ۲۵ ساله ایرانی
صاحب مسکن شود!"

از سوی دیگر، مسئله فقر و بحران اشتغال
در ایران از جمله دلایل بحران ساز جامعه
کنونی ایران است.

"پژوهش‌های انجام شده در دهه‌۹۰،
نشان می‌دهند که خانواده‌های پرجمعیت
ایرانی با وجود داشتن شغل، نمی‌توانند
امکانات زندگی را در حد لزوم برای
خانواده‌شان فراهم کنند. تا آوریل ۲۰۲۲
(فروردین سال ۱۴۰۱) قیمت مواد غذایی
در ایران نسبت به سال قبل ۴۳ درصد
افزایش یافته است که بیشترین دلیل آن
خشکسالی شدید، تحریم‌ها، تورم، فساد در
برخی از دستگاه‌ها بوده است. بر اساس
گزارش ایران پرایمر و بر مبنای آمارهای
دولتی، تا اوایل سال ۲۰۲۲، حدود ۳۰ درصد
از خانوارها زیر خط فقر زندگی می‌کردند.
برخی کارشناسان تخمین زده‌اند که حداقل
نیمی از جمعیت ۸۵ میلیونی ایران زیر خط
فقر زندگی می‌کنند و با تورمی که برای همه
کالاها به ۴۰ درصد رسیده است دسته و
پنجه نرم می‌کنند. این تورم بالاترین میزان
از سال ۱۹۹۴ است. در ایران ۱۸ درصد از

افراد جامعه دچار فقر مطلق هستند. فرامرز
توفیقی، رئیس کمیته دستمزد کانون عالی
شوراهای اسلامی کار کشور، در همین رابطه
در گفتگویی خبر داده بود که: "امید به خانه
دار شدن یک کارگر در تهران به ۱۲۳ سال
رسیده است. حالا پوشاک، درمان، هزینه‌های
تحصیل و سایر خرج‌ها را کنار این داده‌ها
بگذارید؛ تورم واقعا بیداد می‌کند." "امروز
تورم رسمی خوراکی‌ها نسبت به سال
قبل بیش از ۸۶ درصد و تورم واقعی سبد
معیشت کارگران بیش از ۱۰۰ درصد است."
نبودن آزادی‌های فردی و سیاسی، و طبق
برخی از آمارهای منابع رسمی و غیر رسمی
ایران، نرخ بالای تورم اقتصادی، گرانی و
افزایش قیمت مواد غذایی، مشکل تامین
مسکن و رشد صعودی اجاره مسکن و...،
هیچگونه امیدی برای آینده جوانان ایرانی
باقی نگذاشته است. در چنین حالتی جای
تعجب نیست که جوانان و بویژه زنان ایرانی
که از ستم مضاعف جنسیتی نیز رنج می‌برند،
ستون اساسی این جنبش را برای رسیدن به
آزادی و زندگی بهتر تشکیل دهند و خواستار
سرنگونی حکومتی باشند که مانع اصلی
رسیدن آنها به یک زندگی شرافتمندانه است.

۳. مسئله حجاب و آزادی‌های شهروندی

از همان آغاز انقلاب بهمن ۵۷ ایران علیرغم
تصویب برخی از حقوق شهروندی مانند
اصل‌های ۳۲ تا ۳۹ در قانون اساسی ایران
و انتشار متعدد منشورهای حقوق شهروندی
ج.ا.ا از سوی روسای جمهور آن، هیچ یک
از مواد ادعایی آنها برای یک روز هم که
شده به اجرا در نیامده، ابتدایی‌ترین حقوق
شهروندی آنها مانند: حریم خصوصی و بویژه
حق پوشش، حق آزادی اندیشه و بیان،
کرامت و برابری انسانی، امنیت شهروندی
و غیره از سوی حاکمان و ماموران رسمی
و لباس شخصی آنها پایمال شده است.
یکی از بارزترین اشکال نقص سیستماتیک
حقوق شهروندی زنان ایرانی تحمیل "حجاب
اسلامی و ستم جنسیتی" است که ۳ هفته
پس از پیروزی قیام بهمن ۱۳۵۷ عملاً به
دستور خمینی به مرحله اجرا درآمد و از
همان زمان از ورود زنان بدون حجاب به
موسسات دولتی جلوگیری به عمل آمد. در
همه‌ی سال‌های حاکمیت ج. ا.ا زنان ایرانی
به عناوین مختلف و به بهانه‌ی نقض "حجاب
شرعی" طبق ماده ۶۳۸ قانون مجازات
اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده)
مورد مجازات قرار گرفته‌اند. قوانین قرون
وسطایی شریعت، چونان یکی از نشان‌های
بارز فکر و اندیشه واپسگرایی اسلامی که
آمیخته با قوانین رسمی حکومت ایران شده
است، با دخالت درهمه‌ی عرصه‌های زندگی
طبیعی جامعه زمینه ساز تحمیل فشارهای
طاقت فرسا و در نتیجه آزارهای روحی و
جسمی مردم و بویژه زنان ایرانی شده است،
امری که مقابله با آن چون نفی کل سیستم

مذهبی حاکم بسان پاشنه آشیل رژیم
اسلامی ایران قلمداد می‌شود.
از سوی دیگر، زنان آزادی‌خواه ایران نه
تنها در حوزه حجاب، بلکه طبق قوانین
اسلامی در تمام عرصه‌های سیاسی،
اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تحت ستم
بوده‌اند.

زنان ایرانی به خوبی به این مسئله
واقف هستند که در چارچوب حکومت
اسلامی ایران که بر شریعت و قوانین
واپسگرای اسلامی استوار است، امکان
اصلاحات وجود نداشته، تنها راه رهایی و
رسیدن به یک زندگی مدرن، پایان دادن
به حاکمیت حکومت دینی در ایران است.
جنبش مردمی "زن، زندگی، آزادی" که
با قتل ناجوانمردانه ژینا(مهسا) امینی در
شهریور ماه امسال شروع شد، بزرگ‌ترین
جنبش انقلابی و مدرن با پیشاهنگی زنان
و پشتیبانی چشمگیر مردان ایرانی است.
طرح این شعار از سوی مردان کورد
در روز خاکسپاری زنده‌یاد ژینا(مهسا)
امینی در شهر سقز و گسترش سریع آن
در کوردستان و سرتاسر ایران، با اعتراض
به مسئله حجاب، دربرگیرنده چند محور
عمده از خواست‌های شهروندی تمام
مردم ایران مانند "آزادی‌های فردی و
جمعی، سکولاریسم(جدایی دین از دولت
و سیاست)، عدالت‌خواهی و برابری زن
ومرد" است.

دختران و زنان ایران که علاوه بر انواع
ستم‌های اقتصادی و اجتماعی، بیش از ۴
دهه از ستم جنسیتی نیز رنج برده‌اند،
آینده خود را در تغییر حکومت می‌بینند.
زنان و مردان شجاع ایرانی با شرکت
در بزرگترین جنبش اجتماعی و سیاسی
۴ دهه اخیر، برگ نوینی را در تاریخ ایران
ورق می‌زنند که بسان مترقی‌ترین و
مدرن‌ترین خیزش، نه تنها در ایران بلکه
کل جهان به حساب خواهد آمد.

۴. فقدان یک چهره کاریزما و رهبری واحد در جنبش کنونی و ابتکارات جوانان در انتخاب شیوه‌های مبارزه با نیروهای سرکوبگر

انتخاب و در پیش گرفتن شیوه‌های
مبارزه نامتمرکز در جنبش "زن، زندگی،
آزادی"، بر اساس تجارب جنبش‌های
سرکوب شده دهه‌های اخیر از سوی
نیروهای واپسگرا و سرکوبگر ج. ا.ا، نشان
از حرکت بسیار هوشمندانه مردم در
صحنه دارد. این جنبش در روند تکاملی
خود، توانایی رسیدن به همخوانی و
مدیریت مشترک را دارد. ما هم اکنون
نیز ناگفته شاهد هماهنگی و کار مشترک،
در امر دعوت کردن مردم ایران در روزهای
مشخص برای شرکت در راهپیمایی‌ها
و اعتراضات مردمی و دادن شعارهای
مشترک هستیم.

از سوی دیگر نبود یک چهره کاریزما

از نقاط مثبت این جنبش است و مردم
مبارزی که در کف خیابانها برای رسیدن
به خواست‌های عینی و واقعی شان با
نیروهای سرکوبگر ج.ا.ا درگیر هستند،
زندگی و سرنوشت انقلاب آینده را به
دست یک چهره معینی برای خط و نشان
دادن نمی‌سپارند، بلکه آنها با پیش کشیدن
شعارهای ترقیخواهانه‌ای که از خواست‌های
واقعی آنها سرچشمه می‌گیرد، راه را برای
سرنگونی این رژیم و تغییر حیات سیاسی
در ایران مهیا می‌سازند و کسانی می‌توانند
در آینده ایران نقش موثر بازی کنند که خود
را با خواست‌های نیروهای اصلی و محرک
انقلاب مدرن کنونی یعنی جداسازی دین از
سیاست و دولت، آزادی، برابری زن و مرد
و... تطبیق دهند و نه برعکس.

فراگیر شدن جنبش کنونی ایران در
مقایسه با شکل‌گیری جنبش اعتراضی
انقلاب ۱۳۵۷ بسیار سریعتر است. اگر قیام
۲۹ بهمن ۱۳۵۶ در تبریز، چون نقطه عطف
انقلاب ایران، چهل روز پس از تظاهرات قم
شروع شد و به تدریج و به حد فاصل بیش
از ۶ ماه به نقاط دیگر ایران رسید، دامنه‌ی
جنبش کنونی در فاصله کمتر از یک هفته
پس از خیزش شهریور ماه سقز تمام ایران،
از کوردستان تا تهران، از زاهدان تا اهواز را
فراگرفت و حتا دامنه‌ی آن از ایران تا اروپا
و آمریکا هم رسید.

این جنبش با توجه به سابقه درخشان
مبارزه سیاسی و نافرمانی مدنی در کوردستان
یک جنبه کاملاً توده‌ای به خود گرفته است
و در نقاط دیگر ایران نیز دامنه مبارزات
صنفی و مدنی و استقبال لایه‌های میانی
و زحمتکش جامعه و پشتیبانی توده‌های
کار و زحمت از آن رو به افزایش می‌رود.
اعتصاب کارگران پیمانی و قرارداد موقت
شاغل در پروژه‌های میدان‌های نفتی و
گاز واقع در پارس جنوبی (عسلویه- استان
بوشهر) کارگران پیمانی فاز دوم پالایشگاه
آبادان ، شورای هماهنگی تشکل‌های
صنفی معلمان ایران، استادان دانشگاه،
پزشکان، وکلا، ورزشکاران، هنرمندان
و... نشانه بارز رشد فراگیر این جنبش و
پیوستن هر چه سریعتر لایه‌های مختلف
اجتماعی ایران به آن است. بدون شک پا
به پای رشد جنبش ژینا، نیروهای بالقوه
معترض به ساختار موجود، که بنابر گفته
مصطفی رستمی، رئیس نهاد نمایندگی
رهبری در دانشگاه‌های کشور، در نتیجه
یک نظرسنجی [گويا] ۸۳۳ درصد مردم در
اعتراضات شرکت نکرده‌اند ولی معترض‌اند
۱۰ درصد مردم اغتشاش‌ها [بخوان قیام]
و ۵۵ درصد اعتراضات را تایید می‌کنند"،
دامنه جنبش جوانان تحول‌خواه و مدرن
به تمام لایه‌های بالقوه معترض جامعه
رسیده، دیر یا زود بحالت بالفعل درخواهد
آمد.

مرکز اجرایی حزب دموکرات کوردستان ایران: اعتراضات ملل تحت ستم علیه رژیم ایران ستودنی است



ماکسیم گورکی نویسنده انقلابی شهیر و بنیانگذار رئالیسم اجتماعی در ادبیات روسیه است، او یکی از تاثیرگذارترین نویسندگان تاریخ ادبیات نه تنها در روسیه بلکه در جهان است. نگاه عمیق و نقادانه گورکی به لایه‌های زیرین جامعه و در واقع آنچه زیر پوست شهر اتفاق می‌افتد از او و کتابهایش تصویری کاملاً باورپذیر ارائه می‌کند. صرفنظر از مکتب فکری او که ریشه در سوسیالیسم کارگری و مبارزات طبقه فرودست علیه روسیه تحت حاکمیت تزارها دارد، نوشته‌های گورکی برگردانی از واقعیتهای جامعه و به نوعی زندگی در خود جریان وقایع است.

" دانشکده‌های من" اثری از ماکسیم گورکی است که حاصل تجربیات سال‌های جوانی اوست ، در این کتاب گورکی جوان که به امید تحصیل در دانشگاه راهی " قازان" می شود ، به خاطر شرایط اقتصادی تحصیل را نیمه کاره رها می‌کند و به ناچار به کار و زندگی کارگری تن درمی‌دهد. آنچه گورکی در طی این سالیان در ارتباط با آدمهای مختلف و در موقعیتهای مختلف می‌آموزد در نگاه گورکی جوان بزرگ‌ترین دانشگاه است. در واقع او این‌بار به دور از رویه‌های مرسوم یادگیری در دانشگاه، بی واسطه و مستقیم در حال یادگیری از طریق تجربه انسانی است؛ این‌بار ابزار یادگیری نسخه کپی شده از رویدادهای جامعه نیست، بلکه یادگیری از طریق لمس حقیقتهای موجود در کف خیابان‌ها است. به عنوان نمونه در روایت فقر و تنگدستی خانواده‌ای که در ابتدای ورود به قازان با آنها زندگی می‌کند، گورکی می‌نویسد: "پیرزن مجبور بود معده فرزندان خود را که هر صبح بدون هیچ تفکری از او نان می‌خواستند فریب دهد، طبیعی است هر تکه نانی که از این خانواده نصیب من می‌شد مثل تکه سنگی در معده‌ام سنگینی می‌کرد. برای همین هر صبح زود به بهانه یافتن کار از خانه بیرون می‌آمدم تا صبحانه را با آنها شریک نشوم."!!!

آری گورکی خوب فهمیده بود گاهی حقیقت را نه در کتابها و نه در دانشگاه‌ها، بلکه بی واسطه می‌توان کف خیابان‌ها یافت، بعضی وقتها مطالعات اجتماعی و جامعه شناسی ناتوان از فهم آنچه رخ می‌دهد فقط به چند عدد و رقم یا فرضیه احتمالی ختم می‌شوند. گاهی سیر تحولات آنقدر سریع پیش می‌رود که فرصتی برای تحلیل و آنالیز آکادمیک نمی‌گذارد. گاهی خیابان خود دانشگاه است. انقلاب ژئنا که با قتل حکومتی دخترکی پاک و معصوم آغاز شد اینک نه تنها جغرافیای ایران، بلکه جهان را درگیر کرده است.

انقلابی که صاحبانش آنقدر متنوع و گسترده‌اند که برای فهم آن به جز کف خیابان‌ها جای دیگری نمی‌توان رفت. انقلاب ژئنا، انقلاب رنگ‌ها و تفاوتهاست. انقلاب درد و رنجهاست که سال‌ها حکومت دیکتاتوری ولایت فقیه بر مردم تحمیل کرده است. درد و رنج‌هایی که آنقدر بزرگ شده‌اند که از دختر پانزده شانزده ساله منتقد سیاسی ساخته‌اند، دخترکانی که حالا از حق انتخاب پوشش می‌گویند، از فساد و از تبعیض !!! برای واکاوی انقلاب ژئنا نه خواندن فلسفه سیاسی "هانا آرنت" کمک می‌کند نه دیدگاه‌های انقلابی "کارل مارکس" به درد نمی‌خورد. برای فهمیدن انقلاب ژئنا، باید حرفهای دانش آموزان مدرسه را شنید، باید به بغضهای چندین ساله کارگران" نیشکر هفت تپه" گوش فرا داد. برای تحلیل ترس نیازی به نظریه‌های روانشناسی "شوینهاور" نیست، باید از آنهایی که آگاهانه سمت گلوله می‌روند، معنای ترس را پرسید. درد و رنج را با تعالیم مسیح نمی‌توان توجیه کرد، باید از مادر ژئنا پرسید معنای درد رنج را، از مادر حدیث و سارینا، از "مادران آبان" و همه مادرانی که لاله‌هایشان پرپر شدند.

دیگر خواندن بیانیه‌ای فمینیستی توسط یک جمع چندنفری در روز زن پاسخ حقیقت این روزها نیست، حالا دخترکان عصر ارتباطات از طریق شنیدن و دیدن، به جای گفتن عمل می‌کنند آنها آگاهانه به جنگ همه هنجارهای دستوری رژیم ولایت فقیه رفته اند، شاید حتی اسم "کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان" را نشنیده باشند، آنها تبعیض را زندگی کرده‌اند. نسل جسوری که یادگرفته است به جای گفتن باید عمل کرد، با زبان دیگر با دیکتاتور سخن باید گفت. آری انقلاب ژئنا یک دانشگاه تمام عیار است. دانشگاهی که در آن آگاهی در انحصار یک جریان خاص سیاسی یا فکری نیست بلکه به شکل گسترده‌ای در تمامی تاروپود جامعه تکثیر شده است. برعکس تبلیغات موسوم رژیم ولایت فقیه آنچه این قشر آگاه شده به دنبال آن است بازتعریف زن به عنوان یک اهرم تعالی جامعه صرفنظر از نگاه جنسیتی است.

اینجا می‌شود هرروز منتظر یک حرکت جدید بود یک نوآوری، آری هر روز می‌توان سلاحی برای نبرد علیه دیکتاتور یافت. این مردم راه مبارزه با دیکتاتور را به عدد درد و رنج و تبعیض سالیان یافته اند. اینجا زن جنس مخالف نیست، اینجا زن سخنگوی برابری است. اینجا زندگی با همه سختی و دشواری‌هایش ادامه دارد، آزادی یک مفهوم فلسفی یا سیاسی نیست، آزادی امتداد زن و زندگی است سه گانه‌ای برای رهایی و کنار هم بودن. اینجا خیابان نیست اینجا دانشگاه است محلی برای یادگیری و درک حقیقت ...



WHAT DO WE KNOW ABOUT PROTESTS IN KURDISTAN-IRAN?

تجزیه، اسم رمز مزدوران جمهوری اسلامی

به ظاهر جزو مخالفین رژیم هستند. این مسئله جریان را کمی پیچیده تر می‌کند، کسانی که میان انبوه اخبار راست، با القای یک تئوری ساختگی می‌خواهند افکار انقلابیون را به حاشیه بکشانند.

بطور مشخص در ادامه به واکاوی اظهارات دونفر از کسانی می‌پردازیم که ظاهراً از مخالفان جمهوری اسلامی بوده و در صف مردم ایستاده‌اند، اما حقیقت ماجرا چیز دیگری را نشان می‌دهد. خانم شیرین هانتر(طهماسب) چندی پیش در مصاحبه با بخش فارسی صدای آمریکا، ضمن اشاره به حوادث رخ داده و حمایت ظاهری از انقلابیون، از خطر تجزیه ایران دم زد. او استاد علوم سیاسی دانشگاه دانشگاه "جورج تاون" در آمریکاست، مسلماً به عنوان یک تحلیلگر سیاسی او حق دارد نگران آینده کشورش باشد. پس مشکل کجاست؟ کافی است در گوگل درباره خانم هانتر و مقالاتش جستجو کنیم تا به بعضی نتایج جالب توجه دست پیدا کنیم. انبوه مصاحبه‌های خانم هانتر با برخی خبرگزاری‌های نزدیک به سپاه مانند "مهر"، "شفقنا"، "نورنیوز" و "مهراندیشه". عجیب‌تر وقتی است که خانم هانتر با حجاب اسلامی در برنامه "شوکران" شبکه چهار جمهوری اسلامی ظاهر می‌شود!!! باید از خانم هانتر پرسید در حالیکه بسیاری از اساتید علوم سیاسی دانشگاه‌های کشور یا در زندان هستند یا ممنوع التدریس و ممنوع التصویر، شما که زمانی نماینده وزارت خارجه رژیم شاه در لندن بودید!!! چطور اینقدر مورد توجه رسانه‌های نزدیک به سپاه هستید؟؟؟ و اما سکانس آخر این سناریوی مضحک، خبری است که چند روز بعد از مصاحبه خانم هانتر، "تسним" رسانه سپاه پاسداران منتشر می‌کند، تسنیم می‌نویسد: "فعالیت تجزیه‌طلبان در روزهای اخیر به‌حدی بود که علاوه بر نگرانی مردم، برخی چهره‌های خارج‌نشین نیز نسبت به تحرکات آنها هشدار دادند. شیرین هانتر استاد دانشگاه جورج تاون و عضو شورای روابط خارجه آمریکا در مصاحبه با صدای آمریکا گفت: عده‌ای از تجزیه‌طلبان که برخی اسم آزادی اقوام روی آنها می‌گذارند دنبال تجزیه هستند و هربار که اغتشاش می‌شود آنها وارد عمل می‌شوند."

چه پیوندی عمیقی با سپاه دارید، چه بده بستان جالبی، خانم شیرین هانتر!!! راستی شما هم مثل سپاه معتقدید این اغتشاش است نه انقلاب؟

افشای فایلی صوتی از رعنارحیم پور ، خبرنگار تلویزیون بی بی سی فارسی ، چند روز پیش، شکل تکرار شده‌ای از این سناریوی نخ نما شده با برخی تغییرات ماهوی بود. هرچند رعنارحیم پور کوشید با اعلام اینکه، این فایل صوتی لو رفته و بدون اجازه او انتشار یافته، جریان را به سمت دیگری سوق دهد، اما حقیقت را

انقلاب ژئنا در حالی آماده ورود به ماه دوم حیات خود می‌شود که در بسیاری از زمینه‌ها توانسته کارنامه بسیار موفقی از خود به نمایش

بگذارد، کارنامه‌ای که نویدبخش روزهایی روشن برای مردم ایران است. صرف نظر از بعضی فرازاها و فرودها در روزهای انقلاب که در مواجه با رژیم سفاک و بی رحم مثل جمهوری اسلامی امری کاملاً عادی به نظر می‌رسد بازخوانی رویدادهای این مدت ما را به نتایجی قابل توجه می‌رساند. ساختار بی سر، در عین حال متحد وهدفمند انقلاب ژئنا امکان هرگونه مقابله از سوی جمهوری اسلامی را گرفته است. جمهوری اسلامی بارها کوشید تا با انتصاب انقلاب ژئنا به گروه و جریانی خاص، دشمنی خاص برای خود تعریف کند و بتواند سمت و سوی انقلاب را تغییر دهد. حمله موشکی به مقر حزب دموکرات و دیگر احزاب کوردستانی، انتصاب رهبراهل سنت ایران به عربستان و ... بخشی از این تلاش موهوم رژیم بود که با هوشیاری این جریانه‌ها شکست خورد. نکته دیگر هدف قرار گرفتن اصل نظام از سوی انقلاب بود که عملاً امکان هرگونه میانجیگری جریانه‌های موسوم به اصطلاح طلب داخل رژیم را از بین برد، حمله‌ای آگاهانه از سوی مبارزان به همه ارزشهای تعریف شده از سوی رژیم ولایت فقیه از شخص ولی فقیه گرفته تا اعتراض به حجاب اجباری و حمله به آخوندهای حکومتی. اما شاید مهم ترین خروجی این روزهای انقلاب ژئنا، اتحاد مثال زدنی ملیتهای ایرانی بود که به بزرگ‌ترین کابوس رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شده است. از شعارهای داده شده در روزهای اول انقلاب در کوردستان و آذربایجان در حمایت از همدیگر تا حمایت از زاهدان و بلوچستان در شهرهای دیگر، بده بستان انقلابیون برای نشان دادن هرچه بیشتر اتحاد مردم، تصویری بسیار زیبا از انقلاب ژئنا به جهان مخابره کرد.

جمهوری اسلامی ناتوان از کنترل خیابان و شعارهای هدفمند مردم ایران، باز هم با دستاویز قرار دادن داستان قدیمی تجزیه طلبی سعی در ترساندن انقلابیون و دلسرد کردن آنها دارد، رژیم در فاز اول از طریق برخی مزدوران داخلی مانند برخی سلبریتی‌ها و سیاسیون سعی کرد در صفوف مردم تفرقه بیندازد که در این راه کاملاً ناموفق بود زیرا عموماً کسانی که مایل به همکاری به رژیم شدند آدمهای کاملاً شناخته شده برای مردم بودند و با هیچ اقبالی از سوی مردم مواجه نشدند. در فاز دوم این ترغند رژیم دست به دامن بعضی مزدوران خارجی شد، کسانی که



رضا دانشجو

جان تازه جنبش دانشجویی در ایران و کوردستان



ناصر صالحی‌اصل

در تاریخ معاصر سیاسی ایران و کوردستان با توجه به نقش همیشگی جنبش دانشجویی در مبارزه علیه ستم و عدم عدالت اجتماعی و دفاع از آزادی و حقوق بشر، یک دید مثبت نسبت به فعالین دانشجویی و در کل به جنبش دانشجویی وجود دارد. القابی نظیر آزادی‌خواه، حق‌طلب، پیشرو، برابری‌خواه همواره پیشوند و پسوند کلمه دانشجوی بوده و این دید مثبت، ارتباطات موثری را با بدنه معترض و انقلابی جامعه برقرار کرده است. همچنین جنبش دانشجویی توانسته این دید مثبت را با حضور و همراهی سایر جنبشهای اجتماعی مترقی و معترض را به بالاترین حد رسانده است. همچنین باعث تقویت رادیکالیسم و حق‌طلبی سایر جنبشهای مترقی و اعتراضی بوده است.

جنبش دانشجویی همچنین از تجارب سایر جنبشهای روشنفکری و انقلابی ملیتهای دیگر ایران نیز بهره جسته و نهاد و تشکلهای مستقل در دانشگاه‌های ایران تاسیس کرده، تا فعالانه مشغول سازماندهی دانشجویان باشد. به همین دلیل جنبش دانشجویی همیشه فرصت بوده برای فعالین دانشجویی ملل ایران تا بمانند سفیر ملیتهای دیگر ایران در دانشگاه‌ها از خواسته و مطالبات ملت خود دفاع و روشنگری کنند.

با توجه به اینکه امروز در ایران و کوردستان، خیزش و انقلابی مردمی سراسری، بعداز کشته شدن ژینا امینی توسط گشت ارشاد تهران وجود دارد، شرایط سرکوب و خفقان در جامعه و بویژه در دانشگاه‌ها حاکم است. همچنین رژیم جمهوری اسلامی اجازه فعالیت علنی به نام دانشجویان آزادی‌خواه و پیشرو را ناممکن کرده است. اما چون جنبش دانشجویی ریشه‌دار است و طی سالها فعالیت و مبارزه خود اثبات کرده که می‌شود ساختارمند و دارای تشکل و مستقل از رژیم حاکم در تهران، تاثیرات سیاسی و اجتماعی هم گذاشت، توانسته در خیزش و انقلاب ژینا "ژن، ژیان، ژادادی" نقش موثر ایفا نماید. زیرا نقطه قوت جنبش دانشجویی مردمی بودن و فریاد خواسته و مطالبات مردم است.

با توجه به اینکه جنبش دانشجویی در ایران و کوردستان هم دارایی سابقه و ریشه‌دار است و هم تاثیرگذار و تعیین کننده در تاریخ معاصر سیاسی ایران و کوردستان بوده است، رژیم جمهوری اسلامی همیشه جنبش دانشجویی را به دید تهدید نگاه کرده نه دید فرصت برای رشد و توسعه کشور. به همین دلیل، رژیم همیشه تلاشهای بسیار کرد تا جنبش دانشجویی را منفعل و بی‌ریشه کند تا با این ترفند دانشگاه را زیر سلطه خود بگیرد، اما همیشه به علت بودن دانشجویان آزادی‌خواه و پیشرو، رژیم از این سیاست منحرف ناکام مانده است.

هم اکنون با وجود خیزش و انقلاب ژینا در ایران و کوردستان و به ویژه اعتراضات دانشجویی موثر در این خیزش و انقلاب، گرچه جنبش دانشجویی با افزایش فشار بر دانشجویان معترض و پیشرو حکایت دارد، اما دانشگاه همچنان مکان خیزش و انقلاب مردمی است. هم اکنون رژیم

جمهوری اسلامی در واکنش به اعتراضات دانشجویی پس از کشته شدن ژینا امینی در دانشگاه های ایران و کوردستان جوی شدید امنیتی و نظامی ایجاد کرده است. حتی وزیر علوم و تحقیقات و فناوری دولت ابراهیم رئیسی خواستاری ایجاد دفتر و پایگاه نظامی در دانشگاه‌ها شده است.

در شرایط خیزش و انقلاب خلقهای ایران، امروزه از یک سو نهادهای امنیتی و حراست دانشگاه‌ها، با ایجاد جوی سرکوب و خفقان و یورش ددمنشانه به حوزه دانشگاه، دانشجویان آزادی‌خواه و پیشرو از ورود به دانشگاه‌ها منع و از استفاده از خوابگاه‌ها محروم می‌شوند. همچنین بازداشت‌های گسترده و ضرب و شتم دانشجویان انقلابی و معترض، پرونده سازی برای دانشجویان پیشرو همچنان ادامه دارد. از سوی دیگر مقامات رژیم و به ویژه سخنگوی دولت رئیسی اصرار به حضور در دانشگاه‌ها دارند. حضوری که واکنشهای بسیار تند دانشجویان را به همراه داشته است. اعتراض دانشجویان پیشرو و انقلابی دختران دانشگاه الزهرا به حضوری ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور رژیم در صحن دانشگاه و حضوری سخنگوی دولت در چند دانشگاه نمونه‌های



خالد درویژه

اگر چه از همان فردای به‌یغم‌آوردن انقلاب با شکوه ملیتهای ایرانی از طرف مجموعه

کسانی که با تفکر قرون وسطایی و بیگانه با سازوکارهای نظامهای دموکراتیک و مردمی، اقتصاد ایران روز خوش به خود ندیده است و روز به روز در باطل‌اندانم کاریهای ذوب شدگان در دیکتاتوری ولی فقیه و ساختار ناکجا آبادی متاثر از مبانی ایدئولوژیک، دست و پا می‌زند، در سطح بین الملل نیز چنانچه باید و شاید، مکانیزمهای مهارکننده علیه رژیم یا در حدی نبوده که رژیم را به پاسخگویی وادار کند یا عمدتاً و اساساً رژیم جمهوری اسلامی سرسازگاری با قوانین و سازوکارهای نظام بین الملل نداشته است، نتیجه چنین روندی سایه انداختن شیخ اقتصاد ورشکسته و ویرانه بر همه تاروپود جامعه بوده، تاجایی که امروزه و در یک کلام زندگی حال و آینده و

کرامت انسانی و تمامی ابعاد جامعه در گروگان ساختار خودکامه، درگودال چنین نظامی درحال غرق شدن‌اند.

درچنین بزنگاهی اگرچه ازهمان فردای به‌دست گرفتن سکان زمامداری رژیم، کوردستان از محدود جغرافیای ایران بود که دربرابر چنین تفکری، سکوت نکرد و مقاومت کرد. خوشبختانه امروز شاهد قیامی سراسری برعلیه رژیم می‌باشیم که بیشتر از دوماه از مقاومتش می‌گذرد.

تداوم چنین خیزشی کشورهای تاثیر گذار در سطح بین الملل را بر ریل خواسته‌های مردم قرار داده است و بدون شک اتحاد گسترده‌تر و تداوم آن بیشتر از آنچه در ذیل از عزم جذم غرب تنها در یک ماه اخیرشاهد آن بودیم، بدانها اشاره می‌کنیم. باشد که تداوم انقلاب ژینا نوید بخش آزادی و برابری برای تمامی ملیتهای ایرانی و رهایی از یوغ حکومت خودکامه جمهوری اسلامی و زمینه‌سازبرقراری نظامی گردد که در آن مبانی کرامت انسانی و زندگی امروزی را به صاحبان مستحق آن عطا کند.

به گزارش رویترز، اتحادیه اروپا و انگلستان روز دوشنبه ۲۳ آبان با صدور

لبه‌ی تیز ماراتون تحریمها بر گردن اقتصاد ایران

بیانیه‌ای اعلام کردند، به‌دلیل استفاده از زور در برابر اعتراضات مسالمت آمیز، تحریمهایی را علیه ۲۹ شخص و ۳ سازمان اعمال کرده‌اند.

روزسه‌شنبه ۲۴ آبان آمریکا تحریمهای جدیدی را علیه شرکتها و افراد متهم به دست داشتن درتولید یا انتقال پهپادهای ایرانی به روسیه و استفاده آن در تجاوز به اوکراین، اعمال کرد.

هنوز ۲۴ ساعت نگذشته بود که وزارت خزانه‌داری آمریکا صداوسیماي رژیم و چندین تن از مقامها و سرکردگان این نهاد را به لیست تحریمهای خود افزود. ۲۵ آبان کانادا در پنجمین بسته تحریمها جدای از تحریم نهادهای وابسته به تولید پهپاد، شش فرد و دو نهاد را به خاطر نقش فاحش وسیستماتیک در نقض حقوق بشر تحریم کرد.

همچنان، وزارت خزانه‌داری آمریکا در بیانیه‌ای از اعمال تحریم علیه ۱۳شرکت مستقردر چین، هنگ کنگ و امارات متحده عربی به‌دلیل دورزدن تحریمها ونقش آنها در تسهیل فروش و قاچاغ صدها میلیون دلار محصولات نفتی وپتروشیمی ایران به خریداران در شرق آسیا خبرداد.



دموکراتیک و فدرال را هموار سازیم. از همین رو برای تامین و رسیدن به حقوق اولیه و آزادی و دموکراسی، تنها راه این است که تا زمانی که تمام خواسته‌هایمان محقق نشود از هر ابزار ممکن برای اعتراضات نسبت به وضع موجود استفاده کنیم. از جمله با برگزاری و مشارکت فعال در تحصن و اعتصابات سراسری و حاضر نشدن در کلاسهای درس و تجمعات دانشجویی و بویژه شرکت و برگزاری تجمع اعتراضی در محیط دانشگاه مشارکت فعال داشته باشید. همچنین دیگر خواسته‌ها و مطالبات جنبش مترقی دانشجویی، باید آزادی تمام دانشجویان و اساتید زندانی، بازگشت به تحصیل تمام دانشجویان تعلیق شده و ممنوع الورد به دانشگاه و اساتید اخراجی به دلایل سیاسی باشد.

می‌خواهد ایجاد تغییر کند، بایستی از نظر سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی نشان دهنده تنفر و بیزاری از وضع موجود باشد و می‌خواهد این وضعیت را تغییر دهد، همچنین تفکر براندازی رژیم جمهوری اسلامی بایستی برنامه و سیاستهای کلی دانشجویان مترقی و آزادی‌خواه در دانشگاه‌ها باشد.

دانشجویان مترقی باید بدانند که در پیمودن راه رهایی، آزادی و انقلاب "ژن، زندگی، آزادی" تنها نیستند و قطعا در این مسیر ملیتهای ایران پشتیبان و حامی جنبش دانشجویی مترقی هستند و نیز از حمایت و تجربیات مبارزات و پیشینه روشنفکری دریغ نخواهند کرد. تا با همبستگی و اتحاد ملیتهای ایران، پیمودن راه پر فراز و نشیب مبارزه برای رهایی از دیکتاتوریت و رسیدن به نظام

شکنجه‌های روانی نگاه داشته و از این طریق بار دیگر رژیم جمهوری اسلامی اثبات کرد که هر حق‌طلبی را تنها با سرکوب و زندان و کشتن پاسخ خواهد داد.

اما در این فضای ترس و وحشت، جنبش دانشجویی نه تنها مرعوب نشد بلکه نسبت به همین بازداشت‌های مستبدانه و محرومیتها در محیط دانشگاه اعتراض کردند.

حال زمان آن فرارسیده که این خیزش و اعتراضات در سطح دانشگاه‌های ایران و کوردستان گسترش پیدا کند و گروه‌های مترقی دانشجویی را تحت هر نامی که ممکن است به وجود آورند و تا به ثمر رساندن خیزش و انقلاب ژینا پیگیرانه به مبارزه ادامه دهند.

فراخوان جنبش دانشجویی مترقی که



گفت‌وگو: سوران شمسی

سیروس ملکوتی:

اپوزیسیون نباید گسست درونی و استراتژیک خود را از یکدیگر در این مرتبه به اولویت مبارزاتی بکشاند

اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ ایران مجموعه تظاهراتی است که در پی کشته‌شدن ژینا امینی به دلیل ضرب‌و‌شتم در بازداشتگاه گشت ارشاد آغاز شده‌است. این اعتراض‌ها در ۲۶ شهریور ۱۴۰۱ از تجمع در مقابل بیمارستان محل مرگ ژینا امینی در تهران آغاز شد و در روزهای بعد به همه ۳۱ استان ایران گسترش یافت و همچنان ادامه دارد. زنان در خط مقدم و نیروی محرک این تظاهرات اعتراضی هستند. معترضان در خارج از کشور نیز در بیش از ۱۵۰ شهر در سراسر جهان تجمع‌های اعتراضی برگزار کردند. این تظاهرات در هفته‌های بعدی با حضور دانش‌آموزان، دانشجویان، اعتصاب استاد‌های دانشگاه، کسبه و بازاریبان گسترده‌تر و وارد هشتمین هفته شده‌است. در این راستا با آقای سیروس ملکوتی، فعال سیاسی، گفت‌وگویی داشته‌ایم و می‌توانید خواننده متن کامل این گفت‌وگو باشید:

خوانستان از رویدادهای پیش رویمان پس از قتل ژینا امینی چی است و چگونه آن را ارزیابی می‌کنید؟

ملکوتی: اگر در آغاز مفهوم یک خیزش را برایمان تداعی می‌کرد امروز برایمان یک جنبش انقلابی معنا می‌شود. جنبشی که همه نشانه‌ها و عزم یک انقلاب را در خود دارد. انقلابی که مفاهیم نوینی را برای رهایی از انقیاد و تبعیض با خود همراه آورده است. این جنبش انقلابی بی‌شک در خود حافظه مبارزات گذشته را دارد، بی آنکه زخمهای آن گذشته را با خود حمل کند. می‌داند نه سرداران غداره بند عارفند و نه صندوقهای رای در این حکومت رنگی جز تباهی امید در خود ذخیره کرده‌اند. نسل جوانیست سربرآورده از زمانه خود بی آنکه کسی انتظار زایشش را داشته باشد. نسلی که آموزه‌ها و نگاهش فراسوی مرزهای زیستش به جهان بشری از طریق رسانه‌های اجتماعی شکل گرفته بود، نگاهی که رویاهای جوانی و لمس زیستن در آزادی را برایش وعده آورده بود. جهانی در تضاد با جغرافیای زیستش که همه رویاهایش را می‌سوزاند و هر آنچه در ذهن خود برای حال و آینده می‌انگاشت در آن زندان واقعی زندگی می‌دانست که نمی‌تواند بیابد. وقتی جهان مجازی را با تنگنای زیست واقعی

خود به قیاس می‌کشاند خود را سخت در تعارض می‌یافت. نسلی که حاضر نبود خود را در توهم انتظار همچون مادران و پدران خود به نوبت اگر‌ها و وعده‌ها بسپارد. قاطعیت این نسل در مطالبه آزادی‌خواهی‌اش همراه با یک آگاهی کاملاً شکل یافته از عوامل انسداد به این مرحله از دریافت همراه بود. بنابراین با چنین آگاهی راهی جز شکستن هنجارها نمی‌داشت. "زن، زندگی، آزادی" را از موتور محرکه خود یعنی فریاد کوردستان "زن، ژیان، نژادی" به غنیمت گرفت و آن را با خیزش خود در آمیخت و از یک خیزش توانست خود را به یک جنبش انقلابی ارتقای دهد. انقلابی که آزادی و رهایی از انقیاد را نشانه خود ساخت. و چه زود توانست هم آوای جهانی خود را هم بیابد. "زن" در آغاز شعارش چیزی جز نماد تبعیض و نابرابری‌ها نبود، این گونه توانست آن را با حق زیستن و کسب حرمت و کرامت انسانی پیوند دهد. و نیز خوب می‌دانست برای عبور از آن نابرابری و تحقیر و زیستنی دلخواه و رها از زندان باید خود را به آزادی پیوند زند. آن هم فارغ از چارچوب‌ها و تعاریف کلیشه‌ای نسل‌های پیشین خود. این گونه شد که جنبشی انقلابی، شکوهمند و غرورآفرین از واماندگی حقارتی ۴۳ ساله برون زده شد و آوایی بنام "زن، زندگی، آزادی" را در یک هم‌آوایی جهانی سرود زندگی ساخت. تاریخ صد سال گذشته لمس چنین عاطفه همگنی را میان جهان انسانی بیاد نمی‌آورد.

آیا این جنبش خود را در همین محدوده نسل جوان با محور رهایی زن محدود می‌سازد یا یک جنبش گسترده اجتماعی را می‌تواند شکل بدهد؟

ملکوتی: این جنبش از بدو ورودش هم یک جنبش اجتماعی بود و جدا از زایشش در یک جغرافیای مشخص ملی جنبشی با وعده جهانی شدن بود و هست. ظرفیت شگرفی را با خود همراه داشت و دارد، زیرا هدفمندانه آزادی و عبور از تبعیض را نشانه مبارزات خود گرفته است. ظرفیت میزبانی همه مطالبات برابری‌خواهانه را در خود دارد و به همین خاطر قادر

می‌شود به یک جنبش فراگیر چه در واحد ملی و چه منطقه تبدیل شود. و می‌بینیم چگونه توانست در کمتر از دوماه خود را این چنین بگستراند.

جنبشی که رهبر ندارد چگونه می‌تواند تداوم بیابد و به اهداف خود دست یابد؟ جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" هنجارهایی که گمان نمی‌رفت بتوان از آن گذشت پشت سر نهاد. آنچنان خروشی داشت که هنوز حکومت نتوانست از بهت زدگی و شوک و سرخوردگی از شکست اعتماد به نفس متکبرانه و دروغین‌اش خود را برهاند. هنوز هم بعد از گذشت هفته‌ها مبارزه و با هزینه جانی و زخمی‌ها و به اسارت گرفته‌ها، میداندار مبارزه با حکومت است. هنوز این نسل جوان است که کانون مبارزات کشور را سرشار از شور و امید نگاه داشته است و توانست تا بدین مرحله مبارزات خود را مدیریت کند، آن هم به صورت شبکه‌های مستقل اما در پیوند و شناخت از موقعیت یکدیگر. مدیریت هوشمندانه این نسل همانا که حکومت با اینکه سال‌ها برای گسست میان مردم کشور با هراس فکنی تجزیه ایران بی اعتمادی به یکدیگر راه انداخته بود و حتی دامنه آن را تا خود اپوزیسیون کشانده بود، در اولین بر آمدش برای سو استفاده با فریاد کاملاً مصمم به همبستگی این نسل مواجه گردید. فریادی که کوردستان را چشم و چراغ ایران می‌نامید. و وقتی هم که با تدبیر کشتار و تحمیل جنگ و گسست به‌سراغ بلوچستان رفتند جز این جواب از سوی این جنبش حرف دیگری نیافتند.

اما با همه این احوال این جنبش انقلابی در تداوم خود نیازمند شکل‌گیری گونه‌ای از مدیریت می‌باشد، مدیریتی نه از جنس آموزه‌های سنت، بلکه نوعی از رهبریت مبارزاتی که بتواند خود را با شکل شبکه وار این جنبش و نو اندیشی آن همراه سازد. به محض اینکه این جنبش را تابع گونه‌ای از مدیریت سنتی نماییم نبض تپنده آن را و خلاقیت مبارزاتی آن را به میرایی خواهیم کشاند.

با این اوصاف نقش نیروهای اپوزیسیون در

رابطه با جنبش چه خواهد بود؟

ملکوتی: اولاً بعد از ۴۳ سال هنوز اپوزیسیون تعریف جهان‌شمولی از هستی متکثر خود ارائه نداده است، به جز احزاب کوردستان من نیروی منسجم دیگری را نمی‌یابم که در یک رابطه نسبی ارگانیک با مردم و مخاطبین خود در ایران قرار گرفته باشد. بنابراین به سختی بتوان از اپوزیسیونی سخن گفت که پیوند و رابطه ارگانیکی با مبارزات درون کشور داشته باشد. حال با همه تشنت درونی خود همین اپوزیسیون که می‌توان آن را بخشی از معادلات سیاسی مستقر در برون مرز نامید سعی دارند در این شرایط بسیار حساس توفق خود را بر دیگران و رقیبان سیاسی با طرح شعار تمیز دهنده و صف بندی شده شکل دهند و اصرار هم دارند همین صفتبندی‌ها را به داخل ایران به درون جنبش همیسته انقلابی تحمیل نمایند. در صورتی‌که آنچه جنبش داخل بدان نیاز دارد سازماندهی برای کسب گسترده‌تر حمایت جهانی و پژواک مطالبات است. نکته بسیار شگفت انگیز در همین رابطه این است که مترادف با جنبش خودانگیخته و مستقل "زن، زندگی، آزادی" در برون مرز، نهادهای مستقل در سازماندهی تظاهرات و همچنین اقدامات عظیمی در جلب حمایت‌های جهانی بیرون از مدار اقتدار و حوزه عمل مدیریتی اپوزیسیون سنتی به وقوع پیوستند. در واقع ما مواجه با برآمد مکانیزم‌های جدیدی در این میدان هستیم که اپوزیسیون سنتی عملاً خود را غیر فعال در این حوزه مدیریتی می‌یابد. احزاب کورد اما به دلیل رابطه نسبی خود با مردم و همچنین انسجام تشکیلاتی و هماهنگی با یکدیگر بسیار هوشمندانه در راستای حمایت از جنبش انقلابی عمل نمودند. به نظر من تنها کاری که این اپوزیسیون پراکنده و متضاد به لحاظ ایده و برنامه از یکدیگر در این مقطع نباید بکند این است که گسست درونی و استراتژیک خود را از یکدیگر در این مرتبه به الویت مبارزاتی بکشاند.

نیروهای انتظامی در این میان در چه جایگاهی قرار دارند؟ آیا همچنان به نقش سرکوبگری خود

ساقط کردن و نابودی رژیم هستند تا طعم زندگی و آزادی را بچشند.

تداوم اعتراضات سبب تغییر بسیاری از هنجارهای تحمیل شده توسط رژیم بر جامعه منجمله حجاب شد. پیشتر ورود خانمها به خیابانها بدون حجاب ممنوع بود. اما حالا در خیابانهای کوردستان و دیگر شهرهای ایران می‌بینیم که دختران و زنان بدون حجاب بیرون می‌آیند و باکی از نیروهای سرکوبگر رژیم نیز ندارند. این حداقل دست آورد قیام ژینا امینی دختر کورد سقزی تاکنون است که به خاطر چند تار مو بازداشت و نهایتاً در اثر شکنجه نیروهای رژیم شهید شد.

در نتیجه مقاومت جانانه که زنان و دختران پیشگام آن اند، فضایی ایجاد شده که مردم ایران و کوردستان دارند طعم شیرین آزادی را گرچه خیلی پر هزینه و محدود، اما می‌چشند و مطمئناً تا سرنگونی رژیم و تامین آزادیشان در همه زمینه‌ها، این قیام را ادامه می‌دهند.



به قله‌ی آزادی نزدیک و نزدیک‌تر می‌شویم

وانیار اهورایی

اعتراضات در ایران که تحلیلگران سیاسی آن را بیشتر انقلاب می‌خوانند وارد سومین ماه خود شد. با تداوم و گسترده‌تر شدن این اعتراضات، امید به آزادی از رویا تبدیل به امر واقع شده و ثمره مبارزه و فداکاری‌های چندین ساله همه دارد به ثمر می‌نشیند.

با مرگ حکومتی "ژینا امینی" تبعیض و ستم چندین ساله که بر کوردها و دیگر مردم ایران تحمیل شده بود، فوران کرد و خود را در قالب قیامی فراگیر نشان داد و با فریاد "زن، زندگی، آزادی" از کوردستان آغاز و طی چند روز سراسر ایران را در بر گرفت. در نهایت خیابان‌ها مملو از جوانانی شد که در زندگی با رنج و محنت و تبعیض و

بیکاری و عدم عدالت و آزادی و همچنین نبود امنیت گرفتار سیستم فرسوده جمهوری اسلامی ایران شده‌اند.

با هماهنگی تمامی اصناف و اقشار جامعه روند اعتراضات گسترش یافت. طوری که همزمان با اعتصاب کسبه و اعتراض خیابانی، دانشجویان با شعارهای ضد حکومتی از مهمان دولت در دانشگاه پذیرایی کردند و به وعده تغییر و بازنگری در قانون هم راضی نشدند.

تجربه اعتراض در ایران پدیده‌ای نو ظهور و عجیب نیست، بلکه از همان اوایل انقلاب تاکنون و در مدت ۴۳ سال گذشته ایران اعتراضات زیادی را به خود دیده که اکثر آنها در مدت پنج سال اخیر رخ داده‌اند. اما با مرگ ژینا امینی و تجمع مردم بر سر مزار وی، اعتراضات با شعار "زن زندگی آزادی"

ستارت خورد. شعاری که در آن زنان در کنار مردان تشنه آزادی فریاد حق‌خواهانه خود را به گوش جهانیان رساندند.

رژیم اسلامی آخوندی زیستنی آزادانه و همچنین مبتنی بر قوانین مترقی و جهان شمول را از همه مردم ایران و به ویژه ملل تحت ستم سلب کرده و به اشکال مختلف حقوق آنها را نقض می‌کند.

اکنون خیابانها به محلی برای بروز احساسات و انزجار مردم تبدیل شده. خواسته‌های معترضین همچنان که خود معترضان نیز متنوع‌اند، متفاوت است. برخی از بیکاری و فقر به پا خواسته‌اند. بسیاری از عدم آزادی و عدالت اجتماعی، گرانی، تبعیض، فساد اداری، ظلم، پایمال کردن حقوق ملی به خیابان آمده‌اند و در حقیقت اکثریت معترضان‌اند و به دنبال

اهمیت نشست شورای حقوق بشر در خصوص ایران بعد از قتل ژینا (مهسا) امینی و جنبش انقلابی

احسن حسن‌پور، وکیل دادگستری

روز ۲۴ نوامبر ۲۰۲۲ شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در خصوص ایران یک نشست اضطراری برگزار می‌کند. در این یادداشت به سوالات ذیل پاسخ داده می‌شود: شورای حقوق بشر چگونه نهادی و دارای چه توانایی و وظایفی است؟ در مورد ایران چه کاری می‌تواند؟ انجام دهد و این نشست ویژه چرا دارای اهمیت است؟ در آخر اینکه ما در خصوص این نشست چه کاری می‌توانیم یا باید انجام دهیم؟

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد طبق تعاریف مسئول اصلی ارتقای احترام جهانی برای حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه افراد شناخته می‌شود. شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد باید کلیه موارد نقض حقوق بشر در کشورها را بررسی و اقدامات لازم را اتخاذ نماید. این شورا وظیفه تهیه گزارش دوره‌ای از وضعیت حقوق بشری کشورها را بر عهده دارد و برای این منظور ساز و کارهای متعددی در نظر گرفته شده است. در موارد نقض فاحش حقوق بشر شورا می‌تواند نشست اضطراری برگزار نماید. شورا در تمام زمینه‌های حقوق بشر در مواردی که نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر از طرف کشور یا کشورهای صورت گرفته باشد اقدام به اتخاذ تصمیم در قالب توصیه به کشور مربوط می‌نماید، اگرچه از نظر حقوقی توصیه دارای ماهیت الزام‌آور نیست اما اگر طرفی که بر ضد آن چنین تصمیمی اتخاذ شده آن را رعایت ننماید

شورا می‌تواند با استناد به بند ۳ ماده ۱۱ منشور از طریق عمومی به طرح موضوع در شورای امنیت سازمان ملل بپردازد. شورای امنیت نیز پس از طرح موضوع می‌تواند در قالب فصل هفتم منشور به ارائه توصیه و نهایتا اتخاذ تصمیم الزام‌آور بر ضد کشور مربوط به بپردازد.

در خصوص توانایی و قدرت شورای حقوق بشر یک نقطه ضعف قابل تصور سیاسی کاری است. متأسفانه طبق تجربه تاریخی اثبات شده که کشورهای دارای نفوذ می‌توانند مانع فعالیت موثر شورا گردند. در پرونده‌ی مربوط به ایران، چین و روسیه که دارای سابقه جنایت علیه بشریت هستند می‌توانند از نفوذ خود استفاده کنند و مانع‌تراشی کنند یا در صورت ارجاع پرونده به شورای امنیت از حق وتوی خود استفاده کنند.

در پرونده‌ی مطرحه دولت جمهوری اسلامی صرفا در یک فقره جمعه خونین زاهدان با به رگبار بستن جمعیت غیرنظامی و قتل حداقل ۱۰۰ نفر، زخمی شدن و نقص عضو حداقل ۴۰۰ نفر مرتکب یکی از بزرگ‌ترین جنایت‌های تاریخ علیه بشریت شده است. در موارد دیگر با قتل ۴۳ کودک، هدف قراردادن جمعیت غیرنظامی، ربودن مخالفان سیاسی، شکنجه، بازداشت غیرقانونی نزدیک ۱۶ هزار نفر مرتکب جنایت علیه بشریت شده است. جنایت علیه بشریت از شدیدترین و نفرت‌انگیزترین جرایم است که از نظر تئوریک پتانسیل ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت را دارد گرچه در عمل ممکن است شورا ضمانت اجرای خفیف‌تری را اعمال نماید یا به

دلیل سیاسی‌کاری یا نفوذ چین و روسیه نتواند حداکثر تاثیرگذاری خود را اعمال نماید.

از نظر سیاسی برگزاری این نشست ویژه برای قربانیان نقض فاحش حقوق بشر و جمعیت انقلابی ایران می‌تواند دارای آثار مثبت و مفید ذیل باشد:

- نشست فوری شورای حقوق بشر حساسیت‌های بین المللی را نسبت به ارتکاب جنایت علیه بشریت در ایران افزایش میدهد.
- قطعنامه شورا باعث می شود تا اجماع‌سازی جهانی صورت گیرد. اجماع جهانی قدرت سرکوب رژیم در کوتاه‌مدت را به شدت تضعیف می نماید و هزینه اعمال خشونت را افزایش می دهد.
- متهم شدن مسئولان سیاسی جمهوری اسلامی به جنایت علیه بشریت موقعیت دولت در صحنه بین المللی را به شدت تضعیف می کند و حتی باعث مشروعیت‌زدایی از گفتگو و ادامه مذاکرات اتمی می‌گردد. اراده تعقیب قضایی ناقضان حقوق بشر روحیه عوامل سرکوبگر را به شدت تضعیف می‌کند.
- شورای حقوق بشر جهت احراز و اثبات وقوع جنایت‌های بین‌المللی می‌تواند با کلیه اشخاص و نهادهای غیردولتی ارتباط برقرار نماید. قربانیان، اولیا دم، خانواده بازداشتی‌ها، شاهدان و مطلعین نهادها و سازمان‌های غیر دولتی می توانند دلایل و مدارک و اطلاعات خود را برای شورا ولو به زبان فارسی ارسال نمایند و در این فرایند مشارکت داشته باشند.

سیاست درست حزب، بازهم نقشه‌های رژیم را نقش بر آب کرد



هوشیار احمدی

تظاهرات اعتراضی مردم کوردستان و ایران حول محوریت اعتراض به قتل حکومتی دختر جوان اهل سقز ژینا امینی(مهسا امینی) در تهران توسط نیروهای سرکوبگر موسوم به گشت ارشاد، روز به روز در سطح ایران، بدون مرزبندی اتنیکی و جغرافیایی فراگیرتر می شد و متقابلاً سرکوب خشونت بار دستگاه‌های سرکوب و ارباب رژیم نیز ناکارآمدتر می نمایاند.

مردم کوردستان بر حسب تجربه نزدیک به نیم سده مبارزات علیه رژیم اشغالگر و ضدبشری جمهوری اسلامی، در شهرهای کوردستان سازماندهی موفقیت آمیزتری در این مقطع نیز از خود نشان دادند. به شیوه‌ای که دینامیزم مبارزات اعتراضی در مدت زمان کوتاهی پس از استارت اعتراضاتشان، به حدی رسید که در برخی از شهرهای مانند اشنویه(شنو)، سنجند(سنه) و مهاباد، بوکان و... ارگانه‌ای تصمیم‌گیری و سرکوبگر رژیم مورد خشم مردم به سته آمده قرار گرفتند و حتی گاه‌ها تحت اشغال و تحت کنترل موقت معترضان درآمدند.

احزاب و سازمان‌های اپوزسیون کورد نیز مدام جهت رهبری و نظارت بر اعتراضات سرخط بودند و سعی در رهبری و رهنمایی و هماهنگی میان صفوف مبارزین و معترضین کوردستان و ایران را داشتند.

در این برهه زمانی اما شرایط پیچیده‌ای پیش آمده بود که بایستی بسیار آگاهانه، هوشیارانه و دوربینانه و موشکافانه به آن نگریست و متعاقباً تصمیماتی مسئولانه اتخاذ کرد. این شرایط بالاخص برای احزاب و سازمان‌های مسلح کورد و به ویژه حزب دموکرات کوردستان ایران که از پایگاه سیاسی، اجتماعی و تاریخی‌ای ویژه در کوردستان ایران و میان اپوزسیون ایرانی برخوردار است، بسیار حساس‌تر بود.

زیرا اعضا، هواداران و حتی بسیاری از مردم کوردستان به حکم قدمت و آزمون مبارزاتی و تشکیلاتی حزبی، در این موقعیت حساس انتظارات و چشمداشت‌های بیشتری از حزب دموکرات کوردستان ایران داشتند. انتظاراتی از قبیل دخالت مستقیم نیروی مسلح موسوم به نیروی پیشمرگ کوردستان در مناطق متشنج کوردستان و پشتیبانی مسلحانه از مردم غیرمسلح که بی پروا توسط نیروهای سرکوبگر رژیم مستقیماً هدف گلوله‌های جنگی قرار می گرفتند.

حتی در برخی از شهرهای کوردستان، معترضان شعار «حزب دموکرات حمایت، حمایت و» «پیشمرگه حمایت، حمایت» سرمی‌دادند. از سویی با تشدید اعتراضات در کوردستان، روند سرکوب خشونت بار و دیوانه وار رژیم نیز شدت بیشتری به خود می گرفت و همزمان رهبری حزب دموکرات نیز تحت فشار مضاعف مردم کوردستان و اعضا و هواداران و گاه‌ها کادر و پیشمرگه‌ای خودش نیز قرار می گرفت. البته این مهم نیز بدیهی و کاملاً وابسته انتظار و چشمداشت تجربه محور آنها از حزب دموکرات و حضور تاریخی‌اش در پشتیبانی و رهبری اعتراضات قبل و بعد از انقلاب بود.

زیرا حزب دموکرات در برهه‌های از تاریخ معاصر ایران و کوردستان عملاً ثابت کرده است که هم قدرت بسیج اعتراضات مدنی و سلح جویانه را دارد که سرچشمه از ماهیت صلح طلبی این حزب و مردم کوردستان دارد و هم توان، بسیج تسلیحاتی مردم کوردستان را دارد. اما این بار واقعیت کاملاً متفاوت است. ملت کورد و حزب دموکرات سالیان‌بست در تلاشند مردم سایر بخش‌های ایران به ماهیت واقعی رژیم اسلامی ایران پی ببرند و خواستگاه مبارزات ملت کورد و حزب دموکرات را علیه این رژیم درک کرده و ارج نهند و با آن همسو شوند. باید اعتراف کنم، با توجه به اعتمادی که به تحلیل و تصمیم ریزبینانه و دوراندیشانه حزب داشتم، بازهم بنده(نویسنده مقاله) نیز یکی از آنها‌ی بودم که در انتقاداتی حزب را مورد مواخذه قرار داده و کم‌کار و سهل انگار پنداشتم. اما تداوم و گسترده‌ی اعتراضات به سراسر کشور و به خصوص کلانشهرها که نقش استراتژیک در رویدادهای اعتراضی داشته و دارند از یک سو و تلاش رژیم و مراکز جنگ روانی‌اش، با این هدف که اعتراضات را به شهرهای کوردستان محدود کرده و با حملات موشکی و هواپیماهای بدون سرنشین به مراکز و مقررات فرماندهی و پیشمرگ احزاب و سازمان‌های کوردی در خاک اقلیم کوردستان عراق آنها را به واکنش مسلحانه وادارند و به مردم سایر مناطق ایران بگویند: آنچه در کوردستان در شرف وقوع است، نه اعتراضی ساده بلکه حرکتی ستیزه جویانه و تجزیه طلبانه کوردهاست و با این ترفندها شکافی عمیق میان معترضان در کوردستان و سایر مناطق ایران ایجاد کرده، با هزینه کمتری آتش اعتراضات سایر مناطق ایران را خاموش کرده و زمینه بسیج نیروی سرکوب بیشتری از مناطق دیگر ایران و گسیل آنها به کوردستان رافراهم آورند.

بایستی دوباره تاکید کرد، سیاست مدبرانه حزب دموکرات کوردستان ایران و مرکز همکاری احزاب کوردستان باعث شد، نه تنها رژیم به اهداف پلید خود در انحراف و سرکوب اعتراضات تاکنون موفق نشود، بلکه با ارتباط مستقیم با اپوزسیون سایر بخش‌های ایران و هماهنگی جهت رهبری اعتراضات، با ابراز همدردی و همصدایی با ملل بلوچ، آذری و عرب سعی در القاء یک مبارزه و یک هدف، یعنی سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی ایران داشت و همچنین با سازماندهی حرکت‌های فشرده و هماهنگ اعتراضی با سایر احزاب و سازمان‌های اپوزسیون در خارج از کشور، به خصوص کشورهای غربی جهت حمایت و پشتیبانی از اعتراضات سراسری ایران، سعی کردند کانالها و آدرس‌های معتبری جهت کسب اطلاع مجامع بین المللی و صدای رسای معترضانی باشند که رژیم با قطع تمام راه های ارتباطی و رسانه‌ای با خارج از کشور، در صدد سرکوب و ارباب خشونت بار آنها در خفاء بود. اکنون سیر مبارزات و اعتراضات دیگر مرزهای ایران را درنوردیده و روز به روز در مجامع بین‌المللی موجبات موضع‌گیری‌های جدی علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی را فراهم می آورد که در صورت امکان در مقالاتی دیگر بدان خواهیم پرداخت.

مانیفست انقلاب ژینا: مرد باید بسیار زن بود اگر بخواهد مردانگی‌اش بلد باشد

